

بیل کلینتون:

# امریکا راههای تشدید فشار بر رژیم ایران را بررسی می کند

- کلینتون: رژیم جمهوری اسلامی عامل اصلی تشنج در منطقه است
- تلاش آمریکا برای جلب متحدان اروپائی علیه رژیم ایران ادامه دارد
- رفسنجانی: این تحریرات غیر قانونی و غیر منطقی به بی ثباتی در منطقه منجر خواهد شد

لحن سخنان مقامات برجسته آمریکان نسبت به جمهوری اسلامی در هفته گذشته شدت بی سابقه ای یافت و بحران روابط ایران و آمریکا و به دیگر سخن روابط ایران با غرب فزاینده تر شد. بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا روز ۲۴ فروردین همزمان با سالگرد قطع روابط آمریکا با ایران در سال ۵۹، از طریق تلویزیون سراسری آمریکا جمهوری اسلامی را به اعمال فشارهای تازه و تحریم اقتصادی تهدید کرد. در همان روز در فاصله ای کمتر از ۲۴ ساعت رهبران جمهوری اسلامی در قبال سخنان بیل کلینتون واکنش نشان دادند و از سوی هاشمی رفسنجانی بیانیه رسمی صادر شد.

روز بعد اعضای شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی به ریاست رفسنجانی گرد هم آمدند تا شرایط تازه در روابط آمریکا با رژیم را بررسی کنند. از واکنش سریع جمهوری اسلامی پیداست رهبران رژیم منتظر تهدید آمریکا بودند و این بار در ارزیابی از سخنان بیل کلینتون به این نتیجه رسیده اند که تهدید واشنگتن جدی است و تحقق عملی آن بر حیات آتی رژیم بی تاثیر نخواهد بود.

گفتگوی تلویزیونی بیل کلینتون که به مناسبت پانزدهمین سالگرد قطع روابط دو کشور انجام شد، از کانال تلویزیونی سی. ان. ان پخش گردید. در این گفتگو کلینتون جمهوری اسلامی را عامل اصلی

کشوری که مذاکره می کنیم و هر رهبر منطقه و خارج از منطقه که من با او گفتگو داشته ام، همه از جمهوری اسلامی شاکی اند و معتقدند جمهوری اسلامی بزرگترین عامل بی ثباتی در منطقه و بزرگترین خطر برای آینده است. بیل کلینتون در این گفتگو به نوع و ابعاد اقداماتی که آمریکا قرار است علیه رژیم اسلامی دست بزند اشاره ای نکرد اما به تاکید گفت: جمهوری اسلامی حاضر به تغییر رفتار خود نشده است و ما ناچاریم همه راههای اعمال فشار را بررسی کنیم.

### تلاش برای جلب متحدان

در فاصله یک ماه گذشته با دخالت مستقیم آمریکا قرارداد یک میلیارد دلاری جمهوری اسلامی با کمپانی نفتی کونو کولوغوشد. لغو این قرارداد برای جمهوری اسلامی غیر منتظره بود. آنان در تهران گمان میکردند که واشنگتن از روند عقد قرارداد مطلع است و آگاهانه سکوت کرده است. این قرارداد صرف نظر از اهمیت سیاسی آن، نقش تعیین کننده ای در افزایش ادامه در صفحه ۳



## اول ماه مه روز جهانی کارگر گرامی یاد

- پیام شورای مرکزی سازمان به مناسبت اول ماه مه
  - زندگی کارگران زیر فشار فقر
  - جنبش سندیکائی در دوران تحولات اجتماعی
- در صفحات ۷ و ۸

## دستگیر شدگان تظاهرات اسلام شهر تحت فشار و شکنجه قرار دارند

- هشدار گسترده نسبت به خطر اعدام بازداشت شدگان
  - کیهان هوایی: ۸ نفر در جریان تظاهرات کشته شدند
- رژیم با ساد کردن راه مردم که هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شود، کوشیدند راه معترضین را به سوی مناطق اصلی تهران سد کنند و به این منظور بدون هیچ ملاحظه ای به روی آنها آتش گشودند. در برخی خبرها ادامه در صفحه ۳

## تقدیم بالا ترین درجه ی نظامی به یک غیر نظامی

اعطای درجه ی سر لشکری با ۹ سال ارشدیت به دکتر سید حسن فیروز آبادی دامپزشک بسیجی از سوی خامنه یی در آستانه ی روز ارتش و پس از گذشت دو هفته از بروز حوادث اکبر آباد در مراسمی با حضور کلیه ی فرماندهان عالی رتبه ی نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه رویداد بسیار پر اهمیت هفته ی گذشته بود. به این ترتیب یک غیر نظامی بسیجی به ناکهان بدون طی مراحل متداول، بالاترین مقام نظامی کشور را احراز کرد و بر بالاترین مقامات در ارتش و سپاه یعنی علی شهبازی رئیس ستاد ارتش و محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران ارشدیت یافت. خامنه یی در مراسم یاد شده با اظهار اینکه در کشوری که مردم آن به شکل بسیجی در نیروهای مسلح عضو نباشند در مواقع حساس دچار مشکل خواهد شد، اعطای چنین درجه ی بالا بی را به یک فرد بسیجی، قدر دانی و احترام به تشکیلات بسیج و حفظ و هدایت صحیح نیروهای مسلح دانست.

فیروز آبادی هم در مقابل با نوشتن نامه یی چا کرانه به خامنه یی و پسر محمد و فرزند علی و نایب مهدی و حسین زمان توصیف کردن وی اعلام کرد که نیروهای بسیجی قاطعانه با تهدیدهای شیطانی و دشمنان و بدخواهان به مقابله بر خواهد خاست و فرماندهان نیروهای مسلح بویژه سپاه که به تعبیر او میوه ی دل بسیج هستند خواهند کوشید که تدابیر خامنه یی در برابر ادامه در صفحه ۲

## بیانیه سازمان عفو بین الملل درباره حوادث اسلام شهر

شهرک نزدیک به نام اکبر آباد، به سمت اسلام شهر راه پیمایی کردند تا تهران انتشار داد. در این بیانیه آمده است: به دنبال تظاهرات ۴ آوریل در اسلام شهر واقع در حومه تهران، که در جریان آن تعدادی که شمار آنها تا ۱۰ نفر گزارش شده، به ضرب گلوله پاسداران انقلاب کشته شدند، صدها نفر دستگیر شده اند. گزارش می شود که به بستگان زندانیان، اجازه ملاقات نداده اند و گفته اند دستگیر شدگان، به زندان نامعلومی انتقال یافته اند. عفو بین الملل، بیم آن دارد که در این زندان، دستگیر شدگان مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گیرند. عفو بین الملل همچنین نگران است که این زندانیان، از محاکمه عادلانه مطابق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر برخوردار نشوند و بر خود آنها به اعدام محکوم گردند. تظاهرات ۴ آوریل هنگامی آغاز شد که ۲۰۰ نفر از جوانان، از یک

شهرک نزدیک به نام اکبر آباد، به سمت اسلام شهر راه پیمایی کردند تا تهران انتشار داد. در این بیانیه آمده است: به دنبال تظاهرات ۴ آوریل در اسلام شهر واقع در حومه تهران، که در جریان آن تعدادی که شمار آنها تا ۱۰ نفر گزارش شده، به ضرب گلوله پاسداران انقلاب کشته شدند، صدها نفر دستگیر شده اند. گزارش می شود که به بستگان زندانیان، اجازه ملاقات نداده اند و گفته اند دستگیر شدگان، به زندان نامعلومی انتقال یافته اند. عفو بین الملل، بیم آن دارد که در این زندان، دستگیر شدگان مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گیرند. عفو بین الملل همچنین نگران است که این زندانیان، از محاکمه عادلانه مطابق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر برخوردار نشوند و بر خود آنها به اعدام محکوم گردند. تظاهرات ۴ آوریل هنگامی آغاز شد که ۲۰۰ نفر از جوانان، از یک

### اطلاعات درباره زمینه ها

در اکتبر ۱۹۹۴، رادیو ایران گزارش داد مجلس (پارلمان) قانونی تصویب کرده است که به موجب آن، استفاده از سلاح گرم برای کنترل تظاهرات غیر قانونی و سرکوب شورش ها و نا آرامی های که بدون استفاده از سلاح گرم، قابل

دکتر نادر مدانلو و حسن آهی اولین ایرانیانی هستند که در موسسه ای متعلق به خود که در آمریکا تاسیس کرده اند موفق شده اند دو ماهواره بسازند و آن را به فضای کیهان پرتاب کنند. این ماهواره ها به روسیه فرستاده شد و توسط موشک کاسموس، به سفارش شرکت FAI که متعلق به آقایان آهی و مدانلو است به فضا پرتاب گردید. این دو ماهواره در مدار است که فاصله آن با زمین بسیار کم است به

شهرک نزدیک به نام اکبر آباد، به سمت اسلام شهر راه پیمایی کردند تا تهران انتشار داد. در این بیانیه آمده است: به دنبال تظاهرات ۴ آوریل در اسلام شهر واقع در حومه تهران، که در جریان آن تعدادی که شمار آنها تا ۱۰ نفر گزارش شده، به ضرب گلوله پاسداران انقلاب کشته شدند، صدها نفر دستگیر شده اند. گزارش می شود که به بستگان زندانیان، اجازه ملاقات نداده اند و گفته اند دستگیر شدگان، به زندان نامعلومی انتقال یافته اند. عفو بین الملل، بیم آن دارد که در این زندان، دستگیر شدگان مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گیرند. عفو بین الملل همچنین نگران است که این زندانیان، از محاکمه عادلانه مطابق با استانداردهای بین المللی حقوق بشر برخوردار نشوند و بر خود آنها به اعدام محکوم گردند. تظاهرات ۴ آوریل هنگامی آغاز شد که ۲۰۰ نفر از جوانان، از یک

### ماهواره های ایرانی

گردش در آمده اند. مطبوعات معتبر فضایی می نویسند این برای اولین بار است که ماهواره هایی در ارتفاع ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتری قرار می گیرند. ارتفاع قمرهای مصنوعی معمولی مخابراتی حدود ۳۶۰۰ کیلومتر است. تا سال ۲۰۰۰ قرار است ۲۶ ماهواره از این نوع به فضا فرستاده شود و تمام مدار زمین زیر پوشش آن قرار گیرد. از آنجا که مدار این ماهواره ها پایین است حتی با ترمینال های کوچک دست، که با

## "تحریم رژیم اسلامی و موضع ما"

دولت کلینتون در صدد تحریم خرید نفت ایران توسط شرکت های آمریکایی است. دولت آمریکا در ماه گذشته نیز قرارداد یک میلیارد دلاری نفتی معتقد به بین شرکت کونو کور رژیم اسلامی را لغو کرد. دولت آذربایجان را مجبور نمود که قرارداد نفتی بین ایران و آذربایجان را لغو نماید.

اقدامات هفته های اخیر نشان میدهد که فشار آمریکا بر رژیم اسلامی وارد مرحله جدی تری شده است. سران حکومت اسلامی نیز این مسئله را فهمیده اند. بیانیه رفسنجانی حاکی از این امر است. تداوم اقدامات آمریکا، پیامدهای قابل توجهی خواهد داشت.

قصد دولت کلینتون از این اقدامات چیست؟ مقامات آمریکایی می گویند با این فشارها می خواهند، اقتصاد رژیم ایران تضعیف شود تا سران رژیم کمتر سلاح بخرند، دست از حمایت از تروریسم بردارند و در صلح خاور میانه کارشکنی نکنند.

گردانندگان حکومت بخش قابل توجهی از بودجه کشور را برای تسلیحات و دستیابی به سلاح های مدرن اختصاص میدهند. رژیم با تجهیز این سلاح ها، از یک سو قدرت سرکوب خود را در داخل کشور بالا می برد و از سوی دیگر دنبال جاه طلبی ها و اسلام گسری است. در کشوری که منابع عظیم انرژی وجود دارد، رژیم با وجود بحران عمیق اقتصادی، قرارداد های کلان با روسیه و چین برای خرید انرژی اتمی می بندد و با نتیجه نگرانی های در بین کشورهای منطقه بوجود می آورد.

تحریم تسلیحاتی رژیم اسلامی و تحریم صدور تکنولوژی که در تولید سلاح های مدرن مورد استفاده قرار می گیرد، امری موجه و قابل پذیرش، و اگر پیگیرانه تداوم یابد و کشورهای غربی مخفیانه سلاح های مدرن خود را را برای ایران نکنند، میتواند اخلال جدی در برنامه های تسلیحاتی رژیم اسلامی بوجود آورد.

اما تحریم گسترده نفتی و در تداوم آن "تحریم همه جانبه اقتصادی" متفاوت از تحریم تسلیحاتی است. این امر با زندگی مردم ما و منافع ملی و آینده کشور ارتباط می یابد. تحریم تسلیحاتی توان رژیم را در تحقق جاه طلبی هایش و در سرکوب مردم تضعیف کرده و کاهش هزینه تسلیحاتی را بر رژیم تحمیل می کند که به سود مردم و اقتصاد کشور است. در حالیکه تحریم اقتصادی، اقتصاد کشور را آسیب پذیر و ناتوان ترمی سازد. رژیم اسلامی تا کنون نشان داده است که در چنین مواقع از هزینه های تسلیحاتی نمی کاهد، بلکه بحران را مستقیماً به دوش مردم منتقل می سازد. رژیم با افزایش قیمت خدمات و کالا های دولتی، کاهش بودجه عمرانی کشور و چاپ اسکناس، هزینه های خود را تأمین می کند. اما آنچه سهم مردم ما می شود، فقر بیشتر، افزایش بیکاری، کاهش سطح زندگی مردم، تشدید کمبود کالاها و افزایش قیمت هاست.

تحریم اقتصادی آمریکا تا کنون علیه برخی از کشورها منجر به ادامه در صفحه ۲

### روز معلم گرامی باد

سال ۱۳۴۰ هنگامی که حکومت شاه یکی از بحران‌های شدید پس از کودتای ۲۸ مرداد را از سر می‌گذراند، طرح خواست‌ها و مطالبات دموکراتیک از سوی اقشار مختلف نیز شدت بیشتری یافت. در روز ۱۲ اردیبهشت این سال معلمان تهران در اعتراض به سطح نازل حقوق خویش و برای برخی خواست‌های دیگر خود، در برابر مجلس دست به تظاهرات زدند. پلیس به روی تظاهرکنندگان آتش گشود و یکی از معلمان تهران به نام محمد خلعانی را ز پای درآورد. بعدتر فرهنگیان ایران این روز را به عنوان روز معلم نام گذاری کردند.

گرامی داشت این روز که یاد آوربرگی از تاریخ و تلاش‌های فرهنگیان و نمادی از همبستگی آن‌ها به شمار می‌رود، هم چون همه روزهای دیگری که یادآور الهام بخش مبارزه و همبستگی طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه‌اند، چه در دوران رژیم شاه و چه در حکومت اسلامی ممنوع بوده‌است. جمهوری اسلامی ترور آیت‌الله مطهری را که مقارن با روز معلم است، به انگیزه بزرگداشت این روز بدل کرده و سعی در بایگانی کردن سابقه تلاش‌ها و مبارزات فرهنگیان و پیشینه روز معلم، دارد.

در ظرف ۲۴ سالگی که از تظاهرات اعتراضی معلمان به خاطر دست‌یابی به حقوق خود می‌گذرد، حقوق صنفی و دموکراتیک فرهنگیان ایران نه تنها بیشتر نشده است، بلکه پایه‌های عمر بیشتر جمهوری اسلامی، وضعیت مادی و حرفه‌ای و استقلال آن‌ها پیش از پیش وخیم شده است. آن‌چه را که رژیم با اتکال به ایدئولوژی و دیدگاه‌های واپس‌گرای خود به عنوان مواد درسی ارائه می‌کند، و تلاشی که برای وادار کردن معلمان به آموزش این مطالب خرافانه به خرج می‌دهد، به علاوه محیط بسته و اختناق آمیزی که در مدارس ایجاد کرده است، به نقض استقلال معلمان و محدودیت روابط سالم و مبتنی بر تفاهم آموزگار و شاگرد انجامیده است. سیاست آموزشی جمهوری اسلامی معلمان را می‌طلبید که فکر و تجربه علمی و آموزشی و اجتماعی را به کناری بگذارند و به بازگو کننده بی‌چون و چرای آموزه‌های خرافانه و قرون وسطایی رژیم بدل شوند.

گرچه وزارت آموزش و پرورش بزرگترین دستگاه اداری دولت است و به دلیل وظیفه‌ای که برای آموزش ۲۸ میلیون دانش‌آموز عهده دارد شمار کثیری کادر آموزشی و اداری را به خدمت گرفته است، لیکن توده عظیم معلمان و فرهنگیان کشور از داشتن کانون صنفی مستقلی که حامی و نماینده واقعی آنان باشد، محرومند. نهادی که رژیم ساخته که ظاهراً مسئولیت دفاع از حقوق جامعه زحمتکش فرهنگیان کشور را بر دوش می‌کشد، تنها مدافع مصالح و منافع حکومت و مبلغ ایدئولوژی و فکراتجاری آن هستند.

گرائی کم‌رشدن و تنزل سطح زندگی اقشار مختلف مردم، تاثیر مخرب بر کار و رسالت معلمان بر جای گذاشته است. معلمان خود نیز از سطح نازل زندگی و دشواری‌های تامین معاش رنج می‌برند و کمتر معلمی است که تنها با حقوق معلمی قادر به تامین زندگی خود و خانواده خود باشد. پرداختن به شغل‌های دوم و سوم دیگر توان، رمز و زمان فراغتی برای معلمان باقی نمی‌گذارد تا به وظیفه خطیر خود بیایند و نیازهای آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان را برآورده سازند. آن‌ها با جسمی خسته، روانی درهم و اعصابی آشفته از فشارهای اقتصادی و اجتماعی، در کلاس‌های درس حاضر می‌شوند و نمی‌توانند آموزگار و راهنمای مناسبی برای شاگردان خویش باشند.

۱۶ سال پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، معلمان ایران نه تنها به حقوق بیشتری دست نیافته‌اند، بلکه بخشی از آن‌چه را که با مبارزه خود به دست آورده بودند، نیز از دست داده‌اند. تلاش جامعه ۸۰۰ هزار نفری فرهنگیان ایران برای دفاع از حقوق صنفی و دموکراتیک خود و دست‌یابی به خواسته‌های شان، بخشی از مبارزه عمومی برای واپس نشاندن جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک و مبتنی بر عدالت است. روز معلم، فرصتی است برای تاکید بر همبستگی معلمان ایران و اعتراض به همه مناسبات و موانعی که یک زندگی سالم و آبرودار را از این قشر از شمشند سلب نموده است.

### روز جهانی آزادی مطبوعات

از ملزومات تداوم بخشیدن به استبداد و نقض حقوق مردم، بستن دهان مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی است. هم از اینروست که در رژیم‌های ضد دموکراتیک مطبوعات به جای انجام رسالت خویش اجباراً به تکرار خبرها و مطالب قدرت پسند مشغولند و ندادید گاه‌های مردم در آنها بازتاب چندانی نمی‌یابد. روی دیگر حساسیت نسبت به مطبوعات در این گونه رژیم‌ها، سانسور و خصوصاً با روزنامه نگاران و خبرنگاران آزاده است. چه نقض آزادی مطبوعات و چه ستمی که بردست اندر کاران آزاده جرایم در کشورهای استبدادی می‌رود، نیاز حمایت از آزادی مطبوعات و روزنامه نگاران را به امری فراتر از مرزهای ملی بدل کرده است. از همین روزه سال پیش روز سوم ماه مه روز جهانی مطبوعات نام گرفته و تلاش‌ها در راستای حمایت از آزادی مطبوعات و امنیت جانی و حرفه‌ای خبرنگاران و روزنامه نگاران در کشورهای مختلف ابعاد گسترده تری یافته است.

به گزارش گروه خبرنگاران بدون مرز در سال ۱۹۹۴ در جهان ۱۳۵ خبرنگار جان خود را قربانی آگاه کرده مردم از آنچه که در دنیا می‌گذرد کرده‌اند. تنها در جریان خبردهی از جنگ داخلی رواندا ۴۹ خبرنگار جان خود را از دست داده‌اند. شمار روزنامه نگاران الجزایری که عمدتاً بخاطر مخالفت با قهر خشونت توسط بنیاد گریبان اسلامی از پا درآمده اند، یک به ۲۳ نفر می‌رسد. در ترکیه دفتر روزنامه‌های مخالف با سرکوب خلق کرد پیوسته آماج بمب گذاریها و حملات گروه‌های فاشیست و پان ترکیست و ایست به محافل قدرت است. این پدیده در آمریکای لاتین نیز امروزه امری عادی در حیات مطبوعات بدل شده است. در جمهوری‌های شوروی سابق و به ویژه در آسیای مرکزی کمترین آزادی مطبوعات مستقل به چشم می‌خورد و بسیاری از خبرنگاران و روزنامه نگاران مستقل و غیر وابسته مجبوره فرار به جمهوری روسیه و یاد دیگر جمهوری‌های سابق شوروی شده‌اند.

مطبوعات در کشور ما اینک ۱۶ سال است که در زیر تیغ استبداد مذهبی جمهوری اسلامی حیات متغیر و ناسالمی دارند و خطر تعطیل و توقیف هر لحظه آنها را تهدید میکند. از سال‌های پس از انقلاب تاکنون بر اساس آمارهای واقعی، علاوه بر هجوم مکرر به مطبوعات و توقیف بسیاری از آنها، ۴۰ روزنامه نگار در زندان و یاد پای چوبه‌های دار جان باخته‌اند و ۲۰۰ نفر آنها نیز مجبوره مهاجرت شده‌اند. زندانی کردن کاریکاتورست نشانه فساد در واقع تداوم سیاست خصمانه‌ای است که این رژیم از همان ابتدا نسبت به نشریات و روزنامه نگاران درگراوندش دنبال کرده است. و فایده‌ای که در اوایلین روزهای سال شمسی گذشته روی داد یعنی بستن روزنامه جهان اسلام و تعطیل ماهنامه فرهنگی تکاپو بار دیگر با بهای لزران حیات و امنیت مطبوعات در جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. خواست آزادی مطبوعات یکی از حلقه‌های اصلی مبارزه با استبداد و خودکامگی در کشور ما است.

### کرباسچی شهردار تهران:

## اگر احساس وظیفه کنم خود را نامزد ریاست جمهوری می‌کنم

معروف تهران در پاسخ به سوال خبرنگار پیمان امروز که گویا در نظر دارد خود را کاندیدای ریاست جمهوری کند گفته است:

بستگی به عوامل متعدد دارد. نمی‌توان پاسخ داد. در حال حاضر به چنین چیزی فکر نمی‌کنم. اما پیام امروز از قول «دوستان شهردار» نقل می‌کند که شهردار به آنها گفته است «اگر احساس وظیفه کنم خود را کاندید خواهم کرد».

کرباسچی تنها چهره‌ای است که حداقل در تهران و اصفهان مردم درباره وی قضاوت متضاد دارند: یا دوستش دارند و یا از او متنفرند.

چنین احساسی به نحوی کم رنگ تر نسبت به وی در ذهن مردم در سایر نقاط کشور نیز شکل گرفته است. به خصوص در مورد آخوند های وزیر و کیل احساس تنفر تا آنجا است که بعید می‌نماید حتی در خود حزب الهیان هوادار حکومت نیز دلد و دماغ رای دادن به آنان وجود داشته باشد. کرباسچی ۴۲ سال دارد و قبلاً طلبه بوده که رها کرده و تکنوکرات شده است.

با نزدیک شدن پایان دومین دوره ریاست جمهوری رفسنجانی نیروهای مختلف برای جانشینی وی طرح می‌ریزند. از مدتها پیش مسلم بود و هنوز هم قطعی است که باند مسلط بر حکومت به ناطق نوری نظر داشته و دارد. او خودش هم رسماً اعلام آمادگی کرده، اما از وقتی معاون رفسنجانی عطا الله مهاجرانی در سال گذشته غیر مستقیم و در پرده تغییر قانون و انتخاب مجدد رفسنجانی را میمان انداخت و با توپ عوامل خامنه‌ای حسابی جازد تا امروز هنوز هیچ کس دیگری جرات نکرده است دهان باز کند. با این حال طی ماه‌های اخیر در محافل تکنوکرات‌ها مدبران دستگاه اداری کشور بحث «فرد لایق» برای جانشینی رفسنجانی داغ بوده است. چالب توجه است که دیگر در هیچ کجا کسی در این محافل از جانشینی رفسنجانی حرفی نمی‌زند. او حتی برای نزدیک ترین همکارانش «مردی تمام شده» حساب می‌آید.

در اسفندماه گذشته غلامحسین کرباسچی شهردار

### نقل مطلب از گروه‌های مخالف مجاز نیست!

اسلامی در خارج کشور امکان دارد این عمل مغایر با قانون مطبوعات تلقی شود

گرچه نفس شهامت درج خبر وصول و موضوع نامه‌ی آقای بنی‌صدر در پیام امروز خود قابل توجه است اما دو نکته را نیز نباید نا گفته گذاشت: اولاً همه می‌دانند که ابوالحسن بنی‌صدر یک فرد است و عضو هیچ یک از گروه‌های مخالف نیست. ثانیاً وای بحال آن مملکت و آن قانون مطبوعاتش که مخالفین، رسماً نه تنها حق تبلیغ نظر خود را ندارند، بلکه اگر از سر دلسوزی برای وطن خویش چاره کار را پیشنهاد کردند آن قانون مطبوعات به ظن اینکه آن چاره‌ها ممکن است به نفع آن پیشنهاد دهنده تمام شود جامعه را حتی از شنیدن آن هم محروم سازد.

آقای ابوالحسن بنی‌صدر چندین بار پیش نامه‌ای ۵ صفحه‌ای را برای مجله اقتصاد ی پیام امروز که رویه‌ای مستقل را با ژانر می‌دهد، فاکس کرده و در آن ابتدا نظر خویش پیرامون علل تورم و عمل مسئولان کشور را بیان داشته سپس در ۴ صفحه بعدی تحت عنوان «حال راه حل کدام است؟» به بحث پیرامون چاره‌هایی که دولت باید در پیش گیرد پرداخته است.

مجله‌ی پیام امروز ضمن خبر وصول این نامه نوشته است: «از آنجا که در فصل چهارم قانون مطبوعات در ماده‌ای تاکید شده که نقل مطالب از گروه‌های مخالف به نحوی که تبلیغ آنها باشد مجاز نیست از چاپ نامه و پیشنهادهای آقای بنی‌صدر معذوریم زیرا با توجه به مخالفت‌های ایشان با جمهوری

### تقدیم بالا ترین درجه نظامی...

ادامه از صفحه ۱  
توطئه را اجرا کنند. ۱۴۳ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم این اقدام خامنه‌ی را ستودند و آن را نقطه عطفی در برخورد حاکمیت به نیروی بسیج دانستند.

به این ترتیب فصل تازه‌ی در مناسبات دستگاه حاکمه و نیروهای نظامی آن گشوده شد. چند سال پیش حکومت بی‌اعتماد به نیروهای ارتش، با ایجاد ساختاری شبیه ارتش در سپاه پاسداران و اعطای درجات نظامی به اعضای سپاه کوشش نمود که نیرویی کاملاً مطیع برای مواقع حساس در اختیار داشته باشد. وقایع فزونی نشان داد که سپاه پاسداران نیز همچون ارتش اکنون واقع بین تر و آینده نگر تر از آن است که بی‌محابا بر روی مردم عاصی آتش بگشاید و به بهانه‌ی آنکه مسئولیت او حفاظت از مرزهاست تلاش دارد که در منازعات مردم و حکومت خود کامه، خود را تا آنجا که می‌تواند کنار کشیده، مانع تلاشی خود برای ترش زدن تضادهای درونی شود. از آن هنگام حکومت آگاه بر این موضوع که آنچه بقای او را بیشتر تهدید می‌کند، نه حمله‌ی نظامی از خارج کشور، بلکه تداوم

## جان صدها تن از بازداشت شدگان تظاهرات اسلام شهر در خطر است!

اطلاعیه مشترک

هم میهنان، جهانیان آزاده،

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر!

پس از آنکه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اجتماع ساکنان «اسلام شهر» را که خواهان حل مشکل آب آشامیدنی خود بودند به گلوله بستند و دهان‌ها را کشتند، اکنون شواهد حاکی از آنست که حکومت ایران برای زهر چشم گرفتن از مردم، در صدد کشتارده‌ها نفری است که در جریان این تظاهرات دستگیر شده‌اند. برخی عوامل حکومت و نیز در تظاهرات قلابی که خود حکومت روز بعد از واقعه اسلام شهر بر پا کرد، آشکارا از «اعدام اخلاص گران» سخن رفته و بیم آن می‌رود که بازداشت شدگان در خفا اعدام شوند. تجربه وقایع مشهد و قزوین و اعدام دهها تن از بازداشت شدگان، بر این قصد سوء حکومت صحه می‌گذارد.

ما امضا کنندگان این فراخوان، بنام حقوق بشر و بنام انسانیت از همه هم میهنان و آزادگان جهان و همه دولت‌ها و مجامع بین‌المللی طرفدار حقوق بشر می‌خواهیم از هر امکانی برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی جهت جلوگیری از کشتار دستگیر شدگان استفاده کنند.

حزب دموکرات کردستان ایران  
حزب دموکراتیک مردم ایران  
سازمان جمهوری خواهان ملی ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۲ فروردین ۱۳۷۴ - ۱۱ آوریل ۱۹۹۵

### نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان عراق

جناب آقای جلال طالبانی

دوستان گرامی!

با ناباوری اطلاع پیدا کردیم که پیشمرگان حزب شما را بوی صدای کردستان ایران را که متعلق به حزب دموکرات کردستان ایران است، در اشغال خود گرفته و مانع از پیش برنام‌های آن شده‌اند. این اقدام شما ما به تعجب و تاسف ما گردید. برای ما پذیرفتنی نیست که نیرویی که خود برای دموکراسی در کشور خویش پیکار می‌کند به اقدامی دست زند که به تضعیف نیروهای دموکرات کشور ما بیانجامد. تاسف بارتر آنکه این اقدام شما - آنطور که اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران اشعار می‌دارد - بنا به خواست حکومت اسلامی ایران و زور فشار تهران صورت گرفته است.

شما بیش از هر کسی دیگری از تجارب تلخ چند دهه گذشته احزاب و نیروهای کرد منطقه آگاهی دارید و دیده‌اید و ما نیز شاهد بوده‌ایم که تمکین به دخالت و اعمال نفوذ دولتهای منطقه - هر چند در مقطعی متضمن منافع و امتیازاتی برای حزبی یا نیرویی بوده - در درازمدت چه پیامدهای ناگواری برای آن نیروها ببار آورده است. نباید اجازه داد این تجارب تلخ دوباره تکرار شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مصرا از شما می‌خواهد به پیشمرگان خود دستور دهید از اشغال رادیوی حزب دموکرات کردستان ایران دست بردارند تا این رادو بوعفایت‌های خود را از سر گیرد. ما اطمینان داریم که شما با شناختی که از حکومت ایران دارید، به حفظ مناسبات حسنه خود با اپوزیسیون ایران اهمیت می‌دهید و همچون ما اعتقاد دارید که قوت و قدرت اپوزیسیون دموکرات در هر یک از د و کشور عراق و عراق به سود دموکراسی در هر دو کشور همسایه است.

با درودهای دوستانه  
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۴ آوریل ۱۹۹۵

### تحریم رژیم اسلامی...

ادامه از صفحه ۱

سرنگونی حکومت‌های آنها نشده است. بلکه به فقر بیشتر مردم آنها منجر گردیده است. فقر موجبات سرنگونی حکومت‌های مستبد را فراهم نمی‌آورد. کشورهای فقیر متعددی وجود دارد که دیکتا توورها هم چنان بر آنها حاکم هستند. تحریم نفتی عراق توسط سازمان ملل متحد، رژیم صدام را ساقط نکرد بلکه مردم عراق را به فلاکت نشاند.

ما معتقد به فشارهای بین‌المللی به رژیم اسلامی برای تأمین حقوق بشر، دست کشیدن از ترور مخالفین و قطع حمایت از تروریست‌ها و کاهش بودجه نظامی هستیم.

اما تحریم نفتی و در تداوم آن تحریم اقتصادی، ما اجزای حیاتی نظامی در منطقه، تعیین جانشین برای حکومت، تحریک اسرائیل برای بمباران کارخانه اتمی نمی‌تواند مورد تأیید نیروهای دموکرات و آزادخواه ایران قرار گیرد. این اقدامات علیه مردم و منافع ملی ما است و از نظر ما محکوم می‌باشد.

برکناری رژیم حاکم و پی‌ریزی دموکراسی در کشور با یاد بدست مردم و نیروهای اپوزیسیون صورت گیرد. جایجایی قدرت و تحول بدست دیگران نمی‌تواند منافع ملی و استقلال کشور را تأمین و دموکراسی را در کشور مستقر سازد. ما تجربه تلخی از جریان ۲۸ مرداد ماه و کودتای سیا در کشورمان داریم. بیگانگان برای ما نه استقلال و دموکراسی، بلکه دیکتاتوری و وابستگی بوجود می‌آورند.

## دستگیر شدگان تظاهرات ...

ادامه از صفحه ۱

گفته شده است که به دنبال نخستین تیراندازی ها، بین نیروهای نظامی اختلاف پدید آمده و حتی منجر به تیراندازی متقابل بین آنها گردید. مردم توانستند نیروهای سرکوبگر رژیم را عقب بنشانند و راهپیمایی به سوی تهران را ادامه دهند. پس از آن بوده است که هلی کوپترها سر رسیده اند. مردم در ابتدا تصور کردند که هلی کوپترها برای حمل مجروحین و کشته شدگان به بیمارستانها، آمده اند. اما هلی کوپترها از هوا به روی مردم آتش گشودند. بیشترین تلفات و کشتار در این مرحله از هوا صورت گرفت. ده ها تن بر اثر تیراندازیهای وحشیانه ماموران رژیم کشته شدند و تعداد مجروحان تا صدها تن رسیده است. منابع وابسته به رژیم نسبت به ابعاد این جنایت سکوت کرده اند. هفته نامه "کیهان هوایی" که برای خارج از کشور انتشار می یابد، تعداد کشته ها را ۸ نفر ذکر کرده است و این تنها رقمی است که از سوی منابع رژیم در این مورد انتشار یافته است. آیت الله یزدی رئیس قوه قضاییه در مصاحبه مطبوعاتی به تاریخ ۲۷ فروردین ماه بدون اشاره به کشته شدن مردم، پیرامون این حوادث چنین گفت: "اکثر ساکنان این منطقه کارگر هستند که با وسایل نقلیه عمومی به محل های کارشان می روند. در روز حادثه، تعدادی مینی بوس از خطوط خارج شده و بقیه نیز نرخ خود را از ده تومان به ۱۵ تومان افزایش داده بودند. هنگامیکه این کارگران سوار مینی بوس شده بودند، راننده اعلام کرده بود: نرخ کرایه از امروز ۵ تومان افزایش یافته است که باعث اختلاف بین مسافران و راننده شد. مسافران برای تعیین تکلیف به شهرداری مراجعه می کنند که کسی نبوده با سخنگو باشد. به تدریج بر تعداد مسافران افزوده شد و با توجه به مشکلات آب آشامیدنی، آن مساله پیش آمد."

### جان دستگیر شدگان در خطر است

از تعداد کسانی که در جریان تظاهرات دستگیر شده اند، اطلاع رسمی منتشر نشده است. رئیس قوه قضاییه دستگیریهایی گسترده را مورد تأیید قرار داد و گفت: "در ابتدای امر، نیروی انتظامی، عده زیادی را دستگیر کرد و در ۲۴ ساعت اول نیز با حضور دستگاه قضایی، اکثر آنان آزاد شدند و اکنون تحقیقات از عده بسیار کمی که میانشان این جریان بودند، ادامه دارد."

بر خلاف ادعای رئیس قوه قضاییه، دستگیریهایی گسترده تنها به ابتدای امر محدود نشده و تا روزها پس از تظاهرات در سطح گسترده ای ادامه داشته است. گفته می شود بنا به دستور مستقیم ستاد بحران وزارت کشور، از شب ۱۶ فروردین بازرسی خانه به خانه در محلات اسلام شهر با حداکثر خشونت صورت گرفته است و در جریان این بازرسی ها گروه وسیعی دستگیر شده اند. بنا به خبرهایی که از منابع درونی رژیم به خارج رسیده است، مامورین رژیم با دوربین های مخفی از تظاهرات فیلم های ویدئویی تهیه کرده اند و با استفاده از این فیلم ها به شناسایی و دستگیری فعالین تظاهرات اقدام کردند. بسیاری از دستگیر شدگان رادر نقاطی نامعلوم نگهداری می کنند، به خانواده های آنان اجازه ملاقات نداده اند و هیچ اطلاعی نیز از وضع دستگیر شدگان در اختیار بستگانشان قرار نمی دهند. سران

رژیم رسماً به شدت عمل "با دستگیر شدگان اعتراف کرده اند. گروهی از این عده شکنجه های شدید شده اند و آنها را تحت فشار قرار داده اند که در برابر دوربین تلویزیون "اعتراف" کنند که از "عوامل خارجی" برای ایجاد اغتشاش دستور گرفته اند. به دنبال تظاهرات مردم در اراک، شیراز، مشهد و قزوین رژیم گروهی را به جوخه های اعدام سپرد. اکنون با توجه به خشونتی که رژیم در سرکوب مردم اسلام شهر به کار گرفت و تهدیدهای آشکار مقامات رژیم، بیم آن می رود که تعداد زیادی از دستگیر شدگان را اعدام کنند.

### واکنش ها

تظاهرات اسلام شهر و کشتار مردم توسط ماموران رژیم، واکنش گسترده ای را در داخل و خارج از کشور برانگیخت. همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون کشتار مردم را محکوم کردند و نسبت به خطر اعدامهای تازه هشدار دادند. در ایران، علیرغم وجود استبداد و تهدیدهای آشکار و پنهان، مخالفت صریح با سیاست استبدادی رژیم و سرکوب مردم بالا می گیرد. دانشجویان، در هر حزب ملت ایران، در یک گفتگوی تلفنی با بخش فارسی رادیوی سوئد، ضمن اعتراض به کشتار مردم و هشدار نسبت به خطراتی که جان دستگیر شدگان را تهدید می کند، خواهان برقراری یک اتحاد بزرگ علیه استبداد شد و گفت: "حزب ملت ایران هواداری اتحاد بزرگ میان همه سازمان های سیاسی ناسازگار با روند یک تازی و یک تلاش جبهه ای می باشد و در این راستا کوشش های بسیار هم شده است و من امیدوارم چنین رویدادهای افسوس آوری که به آن اشاره کردم، بیش از پیش همه حزب ها با همدیگر به هم نزدیک تر کنند و بتوانند برنامه هماهنگی برای شکل سازمان دادن به جنبش خواستار مردم سالاری که اکنون در ایران پا گرفته، داشته باشند."

سازمان فداییان خلق ایران (اکسیرت)، حزب دموکرات کردستان ایران، جمهوری خواهان ملی ایران و حزب دموکراتیک مردم ایران نیز با صدور اطلاعیه مشترکی ضمن اعتراض به کشتار مردم، خواهان اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای آزاد ساختن دستگیر شدگان حوادث اخیر شدند.

در اطلاعیه مشترک دیگری به امضای حزب دموکرات ایران، سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، شادید شده اند و آنها را تحت فشار قرار داده اند که در برابر دوربین تلویزیون "اعتراف" کنند که از "عوامل خارجی" برای ایجاد اغتشاش دستور گرفته اند. به دنبال تظاهرات مردم در اراک، شیراز، مشهد و قزوین رژیم گروهی را به جوخه های اعدام سپرد. اکنون با توجه به خشونتی که رژیم در سرکوب مردم اسلام شهر به کار گرفت و تهدیدهای آشکار مقامات رژیم، بیم آن می رود که تعداد زیادی از دستگیر شدگان را اعدام کنند.

### التهاب و انتظار

بدنبال رویداد خرنین اسلام شهر، رژیم به نمایش قدرت پرداخته است و با گسیل قوای نظامی به خیابانها در صدد مرعوب کردن مردم ناراضی است. در تهران و برخی از شهرهای بزرگ، در تمام روزهای عید، نیروهای مسلح، حضور چشمگیری در سطح شهرها داشتند، بار دیگر قوای نظامی به خیابانها بازگشته اند. اما علیرغم حضور تهدید آمیز نیروهای سرکوبگر، زمینه های اعتراضی نه تنها تخفیف نیافته، بلکه در یک ماهه اخیر بسیار افزایش یافته است. گرانی ها که زمینه ساز اصلی اعتراضات و نا آرامی هاست به طور ماهرانه پدیری تشدید شده است. هم مردم و هم رژیم در حالت انتظار به سر می برند فضای کشور بیش از همیشه ملتهب است. سران رژیم در سخنان خود سربسته وجود فضای آماده انفجار را تأیید می کنند. آیت الله یزدی در مصاحبه خود گفت: "مسایل افزایش قیمت سوخت در سراسر کشور نیز مطرح بود، اما برخی از فرماندهان و مسئولان اجرایی شهرها برای پیشگیری از وقوع این حوادث قیمت کرایه ها را متعادل کردند و قضیه در این شهرها به حالت عادی درآمد. اما نه قیمت ها "متعادل" شده است و نه شهرها حالت "عادی" دارند. در ایران همه منتظر حوادث تازه ای هستند."

### سفر رفسنجان به هند

مخدر و برنامه هایی اجرایی برای مبادلات فرهنگی علمی و فنی و مهتر از همه قرارداد سه جانبه ای ایران و هند و ترکمنستان درباره عبور کالا های هندی از بمبئی و دیگر بنادر غرب هند از راه دریای بندرعباس و از آنجا از طریق راه آهن بندرعباس بافق سرخس به ترکمنستان و دیگر کشورهای آسیای میانه بود. مذاکراتی نیز درباره ای احداث لوله ای انتقال گاز به هند از طریق پاکستان، پروژه ای خط فیبر نوری موسوم به راه ابریشم نیز صورت گرفت که نتایج آن اعلام نشده است. رفسنجانی در سفر خود علاوه بر اهداف اقتصادی گفته شده، اهداف سیاسی معینی را نیز تعقیب می کرد. وی در آستانه ای سفرش اعلام کرد که رژیم جمهوری

## آمریکاراههای تشدید ...

ادامه از صفحه ۱

خواسته است در سیاست خود علیه جمهوری اسلامی متوجه ترند رقیب حزبی خود باشند. در بیانیه آمده است: "شاید هم امروز حزب رقیب برای ساخت پل پیروزی از طریق پارلمان که سنگر جدیدشان می باشد، دام خطرناکی را در مقابل دولتمردان کنونی آمریکا گسترده باشد. دلیل تحرکات جاری هر چه باشد کارگردانان سیاسی آمریکا باید به سوء برداشتها و عملکرد غلط و اشتباهات تاریخی خود بیندیشند. و در ادامه برای کم اهمیت نشان دادن نقش تحریم اقتصادی از سوی آمریکا بیانیه می گوید: "اعلام ممنوعیت معاملات با جمهوری اسلامی از طرف آمریکا نمی تواند حادثه قابل توجهی در اقتصاد کشور به حساب آید. سپس بدون اشاره مستقیم به لغو قرارداد یک میلیارد دلاری "کونوکو" گفته شده است که جمهوری اسلامی به عقد این قرارداد نیازی نداشته و قرارداد را برای آن بسته بود تا سیاست دوپهلوی آمریکا را افشا کند. رفسنجانی می نویسد: "ممکن است برخی معاملات تجاری آن (آمریکا) را فریب داده باشد اما کمی تفکر نشان خواهد داد که این همکاری ها از روی اضطرار نبوده و می تواند ادله دیگری داشته باشد، همچون روشن شدن سیاست یک بام و دو هوای آمریکا که خود مایل به برقراری مناسبات اقتصادی با ایران است، در حالی که چنین مناسباتی را برای دیگران جایز نمی داند و رقبای خود را برای قطع مناسبات تحت فشار گذاشته است."

در این بیانیه در پاسخ به نقش مخرب جمهوری اسلامی در روند صلح خاورمیانه و به طور مشخص دخالت رژیم در مذاکرات اسرائیل با فلسطینی ها تا کید شد که حمایت لفظی جمهوری اسلامی نباید آمریکا را برنجاند و اعتراض دولتمردان این کشور را برانگیزد. "زیرا ما فقط اظهار نظر کرده ایم و عملی انجام نداده ایم. سخن مشابیهی هاشمی رفسنجانی یک روز پیش از سفر به هند در مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران هندی مطرح کرد و گفت: "دنیا باید این مقدار از ادگی را داشته باشد که اظهار نظریک دولت را بدون اینکه دخالت عملی بکند، به عنوان حق اظهار نظر بپذیرد و از این جهت نباید کسی به ما اعتراض داشته باشد." رفسنجانی در پایان بیانیه خود خطاب به دولت آمریکا نوشته است: "این گونه تحریکات غیر قانونی و غیر منطقی تنها به بی ثباتی در منطقه و اختلال در روابط سالم سیاسی و اقتصادی بین المللی منجر خواهد شد."

### انتقاد از سیاست رفسنجانی

روزنامه جمهوری اسلامی به بهانه انتشار بیانیه، مقاله ای در نقد سیاست گذشته رفسنجانی چاپ کرد و وی را فاقد درک سیاسی خواند. روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: "کسانی که در سالهای اخیر مذاکره با آمریکا و داشتن روابط سیاسی و تجاری با واشنگتن را توصیه می کردند، اکنون باید به عدم درک سیاسی خود پی ببرند. روزنامه جمهوری اسلامی ماجرای عقد قرارداد "کونوکو" و لغو آن را هشدار برای مخالفین رابطه با آمریکا خواند و تا کید کرد: "باید به سادگی از کنار آن بگذریم." روزنامه سلام که با مسئولیت خرنینی ها منتشر می شود، با خوشحالی از تشدید تخاصم مقاله مشابیهی چاپ کرد و رفسنجانی را

ظرفیت تولید نفت ایران که روزه روز در حال سقوط است، داشت. همزمان با لغو قرارداد کونوکو، فشار آمریکا بر جمهوری آذربایجان به منظور مخالفت با فروش سهام نفتی این کشور به جمهوری اسلامی بیشتر شد و بالاخره دولت جمهوری آذربایجان از واگذاری بخشی از سهام خود در کنسرسیوم بین المللی نفت به رژیم ایران خودداری کرد. قرارداد ای که بسته شده بود اما بر اثر فشار آمریکا و توشه و شرکت ملی نفت ایران به عضویت کنسرسیوم فروش را کتورهای هسته ای روسیه به ایران قطع همکاری هسته ای مسکو با تهران هنوز خوشبین است و منتظر است آن را روز ۲۱ اردیبهشت در مسکو در دیدار کلیتون با پلنتسین به کرسی بنشانند. حاصل فشار آمریکا بر ژاپن برای قطع کمک مالی توکیو به تهران به نتیجه رسید و ژاپن اعلام کرد که از پرداخت دومین قسط وام های عمرانی به ایران خودداری خواهد کرد. مبلغ این وام ۴۵۰ میلیون دلار بود. در اروپا بار دیگر فتوای قتل رشتی در مرکز توجه قرار گرفت. رشتی در انتظار عمومی ظاهر شد، پارلمان اروپا با صدور بیانیه ای به دلیل سرکوب مردم اسلام شهر و فتوای قتل رشتی جمهوری اسلامی را محکوم کرد و چند روز بعد سفرای کشورهای اروپایی در تهران با مقام های جمهوری اسلامی دیدار کردند و از جمهوری اسلامی خواستند درقبال دریافت تسهیلات اقتصادی فتوای قتل رشتی را لغو کنند. فشار آمریکا برای جلب کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد.

### بیانیه دولت جمهوری اسلامی

متن بیانیه دولت روز پنجشنبه ۲۴ فروردین از آزاد پو و تلویزیون پخش شد و مطبوعات آن را چاپ کردند. بیانیه دولت که با امضای رفسنجانی صادر شد، علیرغم لحن تند آن، محتوایی آشتی جویانه دارد و آینه تمام نمای رژیم است. بخشی از بیانیه به تاریخچه روابط دو کشور و سیاست مداخله گرانه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی طی پانزده سال اختصاص دارد و در آن بر خصومت ناشی از سوء تفاهم آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی تا کید شده است. بیانیه به توضیح مواضع جمهوری اسلامی در رد تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح های هسته ای و صلح خاورمیانه پرداخته و از بیل کلیتون و حزب دموکرات



## مشت نمونه خروار!

حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی (نماینده مردم تهران و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی): ... متأسفانه برخی مسئولین دولتی در مواردی آن چنان مخارج غیر ضروری انجام می دهند که گویا از وضعیت مالی کشور بی اطلاع هستند، بطور مثال اخیراً مسئول یکی از دستگاههای دولتی برای انجام افتتاح یک واحد تولیدی صنعتی حدود ۳۰ میلیون تومان هزینه کرده و سالانه مقادیر فراوان اعتبار برای اینگونه افتتاح ها هزینه می شود...

... یکی از وزارتخانه ها می خواهد چهارصد میلیون تومان هزینه نماید در حالی که هیچ مسئولیتی در کارورزش ندارد و با کمال تأسف از این موارد در دستگاههای دولتی فراوان دیده می شود. ... اخیراً یک مراسم عروسی در یکی از هتل های تهران برگزار شد که مهریه عروس ۵۰۰ سکه طلا و بیش از ۲۰ میلیون تومان بوده که نمی تواند با معیارهای اسلامی و ملی سازگاری داشته باشد. ... (تلخیص از روزنامه رسالت مورخ ۱۶ فروردین ۷۴)

## آغاز تلاشی عبث برای بستن دریچه ئی به دنیا

طریق عکس هایی که از آسمان گرفته شده است مشخص کرده اند و مشکلی برای جمع آوری آنها موجود نیست. وی همچنین هیئت مدیره ی مجتمع های مسکونی را مسئول در برابر قانون خوانده، آنها را موظف به جمع آوری آنتن ها کرده بود.

به این ترتیب ظاهراً اکثر تجهیزات دریافت ماهواره ئی متعلق به مردم عجتاً از انتظار خارج و یا به خوبی استقرار گردیده و یا در زیرزمین ها پنهان شده اند تا در فرصتی دیگر دوباره برپا ها جای گیرند.

در شرایطی متفاوت با سال گذشته، زمانی که بشارتی وزیر کشور رژیم به آنتن ها اعلان جنگ داد، مسئولیت اجرای این قانون به او و نیروهای انتظامی زیر فرمان او محول شده است. وی در روز شنبه ی این هفته ادعا کرد که تا نخستین روز عملیات جمع آوری آنتن ها، ۹۰ درصد مردم داوطلبانه به برچیدن آنتن های خود مبادرت کرده اند و آن را نشانه ی توجه ملت به قوانین جمهوری اسلامی و اجرای نظریات آن دانست. او قبلاً گفته بود که تعداد آنتن های ماهواره ئی در تهران را از

اگر هر یک از مردم شریف میهنمان ابلیس جمهوری اسلامی را هزاران عیب بر بتواند شمرد، روح و وجدان فروخته نوکرانشان هرگز بر او خرده نتوانند گرفت که این شیطان هیچگاه در دوران سختی و دشواری آنان را تنها نگذاشته، به حساب مردم محروم بی بضاعت، ایشان را همراه از لطف بیکران خود بهره مند ساخته و می سازد، حتا هنگامی که

## هدیه ی رژیم به آدم کشان مزدورش

پاره ئی ملاحظاتی او را و دارد که ارتباط خویش را با آنتنی که در سرزمین دیگر در جنگال عدالت و قانون گرفتار آمده اند، نفی کند. آخرین اقدام رژیم در این عرصه تصویب لایحه ی استخدامی وزارت اطلاعات در یکشنبه ی هفته ی گذشته است که بر اساس یکی از مواد آن مستخدمانی از آن وزارتخانه که اسیر شده یا به گروگان گرفته شده

باشند تمامی مدت اسارت یا گروگان بردنشان دو برابر سنوات خدمتی آنها محسوب شده و خانواده ی تحت تکفل آنان از حقوق و مزایای آنها استفاده خواهند کرد و در صورتی که در مأموریت مفقودالایر شوند، از زمان مفقودالایر شدن تا تعیین وضعیت شان جزو سنوات خدمتی شان محسوب می گردد.

میهنمان ابلیس جمهوری اسلامی را هزاران عیب بر بتواند شمرد، روح و وجدان فروخته نوکرانشان هرگز بر او خرده نتوانند گرفت که این شیطان هیچگاه در دوران سختی و دشواری آنان را تنها نگذاشته، به حساب مردم محروم بی بضاعت، ایشان را همراه از لطف بیکران خود بهره مند ساخته و می سازد، حتا هنگامی که

## خبرهای کوتاه

### عدم امضای قرارداد

علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ی رژیم اعلام کرد که ایران قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ئی را به صورت کنونی آن که برای یک مدت نامحدود تعیین شده امضاء نخواهد کرد و در این زمینه شرایطی دارد که امضای پیمان را منوط به اجرای آنها می داند. وی ضمن اعلام اینکه این پیمان تنها کشورهای غیر اتمی را از دستیابی به نیروی هسته ئی برای مقاصد مسالمت آمیز بازمی دارد، خواستار لغو امتیازاتی شد که این پیمان به ۵ قدرت اتمی شناخته شده ی جهان داده است. ولایتی همچنین خواستار پیوستن اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ئی گردید.

### زنان می توانند باز پرس و قاضی تحقیق شوند

با اصلاح قانون مربوط به شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب سال ۶۳، بعد از این رئیس قوه قضائیه می تواند در موارد نیاز با نوانی را که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری می باشند برای تصدی پست های مشاورت، قاضی تحقیق و باز پرس استخدام کند.

### راه اندازی یک کانال جدید تلویزیونی

مدیر شبکه ی دوم تلویزیون جمهوری اسلامی هفته ی پیش اعلام کرد که قرار است یک کانال مستقل برای پخش برنامه های ماهواره راه اندازی شود. به گفته ی وی این کانال برنامه های "مفید" ماهواره را با زیر نویس فارسی پخش خواهد کرد.

### ایران به عضویت "گات" در می آید

نعمت زاده وزیر صنایع جمهوری اسلامی اعلام کرد که آخرین بررسی ها درباره پیوستن ایران به پیمان تعرفه و تجارت جهانی (گات) به عمل آمده و قرار است نتیجه بررسی ها در هیأت دولت مطرح شود و ایران بطور رسمی به عضویت این پیمان در آید. وی ضمن اعلام موافقت خود در پیوستن به گات در رابطه با جنبه های مثبت و منفی ورود به "گات" گفت: ممکن است در برخی صنایع مثل خودروسازی و تولید لوازم خانگی مشکل پیدا کنیم اما در بسیاری زمینه های دیگر مانند صنایع غذایی و نساجی امکانات برتر داریم.

### آلودگی دریای خزر در حد هشدار دهنده

شدت آلودگی دریای خزر به حدی رسیده است که به نظر کارشناسان محیط زیست انجام اقدامات فوری را ضروری ساخته است. در این رابطه قرار است هیأتی دوازده نفره موسوم به "ابتهکار دریای خزر" متشکل از کارشناسان بانک جهانی، برنامه ی عمران سازمان ملل و برنامه ی محیط زیست سازمان ملل به مدت یک ماه ضمن دیدار از کشورهای حاشیه ی دریای خزر، وضعیت زیستی این دریا را بررسی می کنند. همچنین پیش بینی شده است که متعاقباً کارشناسان محیط زیست از کشورهای ذی ربط در تهران گرد هم آیند تا درباره یافته ها و توصیه های هیأت مذکور بحث و بررسی بپردازند. در خبر دیگری معاون عمرانی وزارت کشور اعلام کرد که آب دریای خزر که در سالهای اخیر پیشروی کرده بود بتدریج عقب می شیند.

### انتشار چهار نشریه جدید

هیئت نظارت بر مطبوعات جواز انتشار چهار نشریه جدید را تصویب کرد. این نشریات عبارتند از روزنامه صبح ایلام به نام سید محمد حائری، هفته نامه ورزش ایران به نام تربیت بدنی، هفته نامه "تهران-تهران" به نام نصرت الله زمانی و فصلنامه "ثلث" به نام محمد علی شادمانی.

### برگزاری اولین مرحله کنکور

مرحله اول آزمون سراسری سال ۷۴ در روزهای ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت برگزار شد. در کنکور امسال که به طور همزمان در تهران و شهرستانها و همچنین کشورهای کویت، ترکیه، سوریه، قطر، پاکستان و دبی برگزار شد، تعداد یک میلیون و ۱۹۷ هزار و ۹۴ نفر داوطلب شرکت داشتند. در استان تهران تعداد داوطلبان زن بیش از مردان بود.

### اصلاح قانون وظیفه عمومی

در طرح اصلاحیه قانون وظیفه عمومی که در مجلس به تصویب رسید تسهیلاتی برای معافیت افراد واجد شرایط پیش بینی شده است. بر اساس ماده ۱۲ این طرح تحصیل فرزندان ایرانیان خارج از کشور و فرزندان ما موران ثابت دولت در خارج از کشور تا گرفتن دیپلم بلا مانع است.

### حذف درهم، دینار و حله از احکام دیات

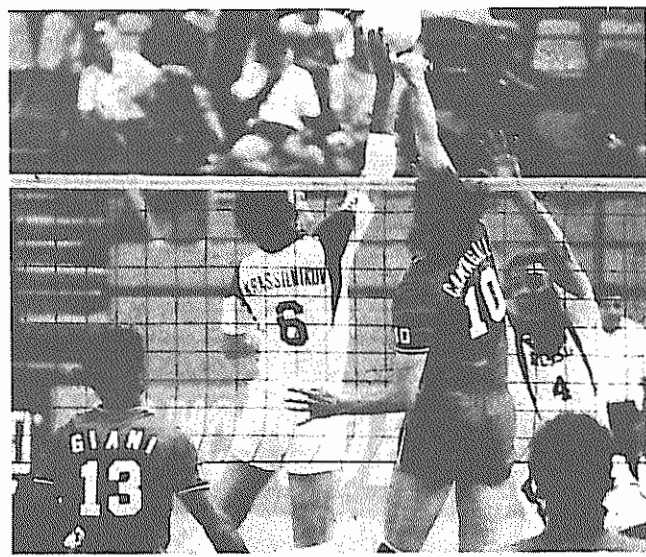
وزیر دادگستری اعلام کرد که به فتوای خامنه ای درهم، دینار و حله از ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی حذف شد. بر اساس این ماده دیه ی "مرد مسلمان" یکی از موارد ششگانه ذیل بود که متهم در انتخاب یکی از آنها آزاد بود. ۱- یکصد نفر شتر سالم ۲- دو سگ راس گاو ۳- یکبکر از راس گوسفند ۴- دو سگ دست لباس از حله های یمن ۵- یکبکر از بئار مسکوک ۶- ده هزار درهم مسکوک. بر اساس فتوای خامنه ای سه مورد آخر حذف و فرارش برای سه مورد دیگر هم معادل ریالی آنها تعیین و این نرخ ها هر شش ماه تعدیل می شود. در اولین محاسبه نرخ یکصد شتر رقیمی بیش از سه میلیون تومان، نرخ دو سگ گاو بیش از شش میلیون تومان و نرخ هزار گوسفند بیش از ۹ میلیون تومان برآورد شده است که قاتل محکوم به پرداخت دیه در انتخاب یکی از آنها مختار خواهد بود!

## رویدادهای ورزشی

### قهرمانی باشگاه های والیبال آسیا

دیدار ۲ تیم فولاد اهواز پس از اهوازیان نتیجه ۳ بریک به سود تیم فتح تهران پایان یافت. به این ترتیب امید فتح برای تصاحب مقام دوم این مسابقات افزایش یافت. تیم سانتوری ژاپن پس از غلبه بر فتح تهران والکاظمیه کویت در سومین دیدار خود تیم ماددی قواستان را با نتیجه ۳ بر صفر مغلوب کرد و با ۱۶ امتیاز در صدر جدول این مسابقات قرار دارد.

تیم سانتوری برای کسب مقام قهرمانی این مسابقات به نتیجه بر در مقابل فولاد اهواز احتیاج دارد.



### تساوی پیروزی در کویت

استفاده می کند در نیمه اول تمامی تلاش خود را برای دسترسی به گل پیروزی به کار گرفت اما مهاجمان این تیم نتوانستند از موقعیت های بدست آمده استفاده کنند. در نیمه دوم پیروزی مقدار محتاط تر شد و با اینکه نسبت به حریف برتری داشت بیشتر سعی در حفظ نتیجه نمود. تیم پیروزی در بازی بعدی تیم العربی را در برابر خود دارد که در صورت کسب برتری به ۱۲ میلیون تومان جایزه دست خواهد یافت.

تیم والیبال فولاد اهواز پس از پیروزی در مقابل تیم الهلال عربستان سعودی در دومین دیدار خود با نتیجه ۳ بریک از سد تیم والکاظمیه کویت نیز عبور کرد. این بازی که در گیم اول با نتیجه ۱۷-۱۵ به سود تیم والکاظمیه کویت تمام شده بود در پایان ۱۰۰ دقیقه تلاش اهوازیها با نتیجه ۳ بریک به سود اهوازیها پایان یافت. دیدار بعدی تیم فولاد اهواز در مقابل تیم فتح تهران انجام شد. تیم فتح تهران در اولین بازی خود رو بروی تیم پر قدرت سانتوری ژاپن قرار گرفت و به شکست ۳ بر صفر تن داد.

### تیم ملی کشتی ایران چهارم شد

شکست در اردوی کشتی ایران شروع شد و یقیناً کشتی گیران تیم ملی ایران در روزهای ۸۲، ۹۰، ۱۰۰ و ۱۳۰ کیلوگرم در مقابل رقبای ترک خود تن به شکست دادند. در پایان تیم ترکیه با دستیابی به امتیاز بیشتر پیروز شد.

در برابر تیم ملی کشتی آمریکا کشتی گیران ایرانی در روزهای ۴۸، ۶۸ و ۷۴ کیلوگرم به پیروزی رسیدند. در ۷۴ کیلوگرم از آسیب دیده گی پیروز یاری، علی اکبر نژاد کشتی گیر ۶۸ کیلوگرمی به دیدار حریف آمریکایی رفت و در یک کشتی حساب شده در مقابل حریف به پیروزی دست یافت. در باقی اوزان کشتی گیران ایرانی با شکست تشک را ترک کردند.

بدترین دیدار تیم ملی کشتی ایران در مقابل تیم ملی کشتی روسیه بود. در این رویارویی تیم ملی ایران تنها در وزن ۵۲ کیلوگرم به پیروزی رسید. غلامرضا محمدی در مقابل حریف روس خود چچسنی اول مانگوش با برتری کامل پیروز شد. در بقیه دیدارها کشتی گیران ایرانی میدان را به حریفان واگذار کردند.

در پایان این مسابقات تیم ملی ایران با پیروزی و شکست و کسب ۱۴ امتیاز به مقام چهارم رسید. تیم ملی آمریکا با ۵ پیروزی و ۱۰ امتیاز، تیم ملی روسیه با ۴ پیروزی و یک شکست با ۸ امتیاز و ترکیه با ۳ پیروزی و ۲ شکست به ترتیب اول تا سوم شدند. تیم های ملی کشتی آزاد کانادا و ژاپن در رده پنجم و ششم این مسابقات قرار گرفتند.

### جام باشگاه های آسیا

#### قرعه کشی شد

مراسم قرعه کشی جام باشگاه های آسیا در شهر ابوظبی امارات متحده به پایان رسید. تیم باشگاه سایپای تهران با تیم هائو از عمان و کویت همگروه است.

### پیروزی برق در دوی

تیم برق شیراز برای انجام سه بازی دوستانه به دوی سفر کرد. تیم برق شیراز در اولین دیدار خود با الاهلی دوی به تساوی بدون گل دست یافت و در دومین دیدار خود با همین تیم به پیروزی ۳ بریک رسید. برقی ها در مصاف سومشان با الاهلی با برد ۲ بریک به کار خود پایان دادند.

دکتر منوچهر فرهنگ:

## دولت باید دست از سرفزایش خود سرانه نرخ ارز بردارد

دکتر فرهنگ که از اقتصاددانان برجسته ایران است ابراز عقیده کرده است که گرانی فعلی و بخصوص افزایش نرخ برابری ارزهای خارجی نتیجه سیاست‌های خود دولت است. وی می‌گوید: "دولت باید بیش از این با نرخ سکه‌ی طلا این گونه عیان بازی نکند".

(قابل توجه است که طی ماه‌های قبل از عید دولت با بگرویند صراف‌ها، بازار تبدیل ارز را کد کرد و هر اس مردم از سقوط قیمت ریال و تلاش آنان برای فرار از ریال را به سوی خرید طلا سوق داد. در عین حال به عرضه‌ی فراوان وانحصاری سکه‌های طلای بهار آزادی به قیمت بسیار بالا مقدار

زیادی سود باد آورده را از جیب مردم به کیسه خود سرازیر کرده است) دکتر فرهنگ می‌نویسد: "دلال بازی در شأن دولت نیست. دولت باید بجای افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی و ورود ماشین سواری را قطع کند. باید تمام اتوموبیل‌های دولتی را جمع‌آوری کند تا هر کس به هزینه خود سرکار حاضر شود. باید وسایل رفت و آمد جمعی را توسعه داد".

وی می‌افزاید: "اقتصاد ایران به سبب اسراف در مخارج دولتی و شبه دولتی در حلقه‌ی بسته افزایش قیمت‌ها و تورم گرفتار آمده است. این چرخه‌ی نامبارک و شوم باید با اقدامات ساختاری و پیگیر شکسته شود.

## یک خانواده متوسط شهری در ایران، سالانه صد هزار تومان کسری بودجه دارد

روزنامه رسالت در شماره چهارم اسفندماه خود به نقل از گزارش اخیر بانک مرکزی درباره بودجه خانوارهای شهری نوشت یک خانواده متوسط شهرنشین در ایران در سال ۱۳۷۲ درآمد سالانه خالصی بالغ بر ۴۹۰ هزار تومان داشته، در حالی که در همان سال، متوسط مخارج یک خانواده، یعنی یک خانواده متوسط شهری در این سال صد هزار تومان کسری بودجه داشته است.

به دنبال انتشار این آمار، خبرنگار رویتر در تهران با مرکز آمار ایران تماس گرفت و خواهان موضعگیری درباره ارقام فوق شد. یک مقام دولتی در پاسخ به استوال رویتر گفته است مردم برای فرار از مالیات، درآمد خود را کمتر از آنچه هست اعلام می‌کنند! رویتر در گزارش خود متذکر می‌شود که بسیاری از ایرانیان به علت افزایش شدید قیمت‌ها ناگزیر از داشتن دو یا سه شغلند.

## نرخ تورم در مناطق روستایی به ۴۸ درصد رسید

شاخص بهای خرده فروشی کالاها و خدمات مصرفی در مناطق روستایی کشور در نیم سال دوم سال ۷۳ به رقم ۴۸ درصد رسید. که بیشترین این افزایش مربوط به مواد غذایی است. در مناطق شهری نرخ تورم در بهمن ماه ۷۳ به ۴۵/۶ درصد رسید، که باز هم بیشترین افزایش بیامربوط به کالاها و خدمات اساسی و مواد خوراکی بود.

ارقام فوق داده‌های منابع دولتی است که با نرخ واقعی تورم تفاوت فاحش دارد. زمانیکه که منابع رسمی دولتی اعلام می‌کردند که نرخ تورم مثلاً ۱۶ درصد است، نرخ واقعی آن بالای ۵۰ درصد بود. امروز که این رقم ۴۸ درصد اعلام می‌شود، میزان تورم بالای ۱۰۰ درصد است. یک نگاه به بهای ارزهای خارجی در حال حاضر و قیاس آن با نرخ‌های مشابه سال قبل، رقم واقعی تورم را نشان می‌دهد.

نرخ دلار آمریکا در بازار آزاد تهران اکنون حدود ۴۳۰ تومان است در حالیکه، سال قبل در همین روزها بهای دلار آمریکا حد اکثر ۲۲۰ تومان بود. هم اکنون با افزایش دو برابر نرخ مواد سوختی و نیز دیگر خدمات دولتی همچون نرخ تلفن و ... تورم به بالای ۱۰۰ درصد رسیده است.

## کرایه حمل و نقل تادو برابر افزایش یافت

چند برابر می‌شود، چگونه با کرایه‌های قبلی بسازیم. افزایش بهای حمل و نقل همانند دیگر کالاها و خدمات، محصول تورم مهار گسیخته‌ای است که مسبب اصلی آن خود دولت و سیاست‌های آن است، اما روزنامه‌های وابسته به حکومت تلاش دارند اذهان عمومی را از ریشه‌های اصلی گرانی سرسام آور کرایه و حمل و نقل منحرف سازند.

یافته است. بعنوان مثال قیمت فروش روغن ترمز فومن ۲۵۰ گرمی از ۱۸۰۰ ریال در سال ۷۳ به ۶۸۰۰ ریال در حال حاضر رسیده، یا قیمت فروش هر دستگاه دیسک و صفحه کلاچ پیکان ظرف یک ماه گذشته از ۱۶۰ هزار ریال به ۴۴۰ هزار ریال افزایش یافته است. یک تاکسیران تهرانی می‌گوید: وقتی قیمت لاستیک از ۱۰ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان افزایش می‌یابد و تعمیرات موتور

افزایش دو برابر بهای بنزین و سایر مواد سوختی که از آغاز امسال از سوی دولت به اجرا گذاشته شد، موجب افزایش بهای بسیاری از کالاها و بیش از همه کرایه حمل و نقل در تهران و دیگر شهرها شده است. کرایه تاکسی و مینی‌بوس‌های بین شهری تا صد درصد بالا رفته است. بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های دولت و اتحادیه تاکسیرانی مبنی بر ممنوعیت افزایش کرایه حمل و نقل تاکنون تأثیری بجای نگذاشته است، و با توجه به ضعف اساسی شبکه حمل و نقل عمومی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور، افزایش تادو برابر کرایه حمل و نقل فشار سنگینی دیگری را بر مردم وارد می‌آورد.

مشولین اتحادیه تاکسیرانی تهران می‌گویند سهم هزینه سوخت در حمل و نقل حدود ۵۰ درصد است. بنابراین تاکسیرانان مجازند فقط ۱۰ درصد نرخ کرایه را بالا ببرند. اما تاکسیداران می‌گویند تنها بهای سوخت نیست که افزایش یافته است، بهای لوازم یدکی و هزینه سرویس خودروها نیز بشدت افزایش



## مشکلات اقتصادی منجر به تعطیلی کارخانه کاوه فولاد ساوه شد

افزایش شدید قیمت مواد اولیه فولاد خارجی، مشکل نقدینگی و عدم توان کارخانه در بازپرداخت مطالبات سازمان تامین اجتماعی منجر به تعطیلی این واحد تولید شد.

مشکلات مالی از تولید بازمانده است. این واحد یکسال پیش به بهره‌برداری رسیده بود. مدیر امور مالی و اداری کارخانه کاوه فولاد در باره مشکلات این واحد می‌گوید:

کارخانه کاوه فولاد در شهر ساوه که تولیدکننده شیربکس‌های صنعتی و قطعات آهنگری است و با سرمایه حدود ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال احداث گردیده، بدلیل

## آیا معیار تنها توسعه است؟

مقدمه و ترجمه ع. بهار

ریست تضمین کننده موفقیت‌های اقتصادیست، در حال پیشرفت است. برزرون می‌گوید: چیزی را که در گذشته اهمیت چندانی نداشت امروزه بصورت یک ضرورت اجتناب ناپذیر پردرآمده است. در واقع این محاسبات اقتصادیست که اهرم‌های واقعی سیاست حفظ محیط زیست را بحرکت در آورده و به صنایع بازسازی و پیشگیری میدان میدهد. در گذشته حفظ محیط زیست شامل بخشی از کمک‌های کشورهای ثروتمند بوده که اغلب با رفتار سیاسی مناسب کشورهای گیرنده گره خورده بود. فقدان آمادگی کشورهای کمک دهنده جهت صادر کردن صنعت حفظ محیط زیست باعث شد تا این کمک‌ها به شکلی اسفناک شکست بخورند. قاره آسیای شرقی در حفاظت از محیط زیست راه‌آشوبه‌های خاص خود بکار ببندد وضعیت مورد نیاز در این عرصه را بدست آورد و آنها را با احتیاجات منطقه‌ای هماهنگ کند.

صنایع حفظ محیط زیست اروپا و بیش از همه آلمان از شهرت بسزایی برخوردار هستند که البته دارای رقبای سرسختی مثل ژاپن و امریکانیز میباشند. و اینجاست که برزرون به نفع اقتصاد اروپا وساطت میکند. سیاست حفظ محیط زیست برای تجارت؟ برزرون می‌گوید: "این تهاراه چاره برای دولتهای این کشورهاست که امکانات کافی در اختیار نداشته و در نتیجه نمیتوانند کاری انجام بدهند. حفظ محیط زیست در واقع روزبه روز به یکی از وظایف بخش خصوصی تبدیل میشود.

حدود ۲۰ هزار شرکت اروپایی و هزار شرکت آسیایی در عرصه حفظ محیط زیست مخاطبین انستیتی محیط زیست (RIET) هستند و هدف این انستیتو نیز صد هزار کارخانه و شرکتی است که مسبب آلودگی محیط زیست در این منطقه میباشند.

برنامه‌های تهیه شده توسط پکن برای استفاده از منابع طبیعی، نشان دهنده مصرف ۱۴ میلیارد تن ذغال سنگ در سال است. سناریوی نظیر این هم از طرف هندوستان تهیه شده است. سازمان بهداشت جهانی (WHO) حساب کرده است که این دو کشور در سال ۲۰۱۰ بیش از همه کشورهای صنعتی مواد آلوده و سمی در هوا پراکنده خواهند کرد و بدین ترتیب هندوستان و چین مسئول آلودگی یک چهارم هوای جهان خواهند بود.

زمانی طولانی مشولین اقتصادی و سرمایه داران آسیایی سعی‌شان بر این بود تا بدیگران بقبولانند که ناپودی محیط زیست تنها مشکل کشورهای ثروتمند میباشند. فیلیپ برزرون معتقد است که در این میانه تغییرات رادیکالی در این سیاست بچشم میخورند. وزیران محیط زیست آسیایی شروع کرده‌اند تا بپایمان ابعاد فاجعه آمیز محیط زیست صحبت کرده و هزینه‌های اقتصادی که بهمراه خواهد داشت را حساب کنند.

سازمان بهداشت جهانی مخارج بازسازی محیط زیست کشورهای جنوب شرقی آسیا را در حال حاضر ۸۰۰ میلیارد مارک برآورد کرده است. آگاهی زیستبوم در منطقه با توجه به این مسئله که مدیران بهتر در عرصه حفظ محیط

مشابهی راه می‌توان در کشورهای کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور، مالزی، تایلند و اندونزی مشاهده کرد. هندوستان و ویتنام هم همین راه را در پیش گرفته‌اند. فیلیپ برزرون متخصص محیط زیست فرانسوی و مدیر انستیتیوی اروپایی برای صنعت محیط زیست (RIET) که مقر آن در سنگاپور میباشند، می‌گوید: "بهر حال امروزه خط و مرز آن معجزه اقتصادی ترسیم میشوند." سرمایه گذاری‌های هنگفتی در بخش‌های کلیدی اقتصاد ضروریست تا بتوان از خرابی‌های غیر قابل جبرانی که میتوانند مانع رشد این منطقه بشوند، جلوگیری کرد. بانک توسعه آسیایی هزینه اینکار را تا سال دوازده میلیارد دلار حساب کرده است. یکی از عواملی که میتواند سیر موفقیت را تضعیف کند محیط زیست است. رشد اقتصادی کشورهای این منطقه به قیمت ناپودی منابع طبیعی‌شان صورت میگیرد و این منابع طبیعی کشورهای منطقه هستند که بهای رشد اقتصادی‌شان را میپردازند و چنین چیزی برای درازمدت غیر قابل تحمل است.

شهرهایی مثل بانکوک، مانیلا یا بمبی نمونه‌های وحشتناک یک سیاست از کنترل خارج شده برای وسایل نقلیه میباشند. مسافران تا بوسه‌دارانند و نوزی برای حفظ سلامتی خود در مقابل دود ماشینها از ماسک استفاده می‌کنند. مه غلیظ اسیدی شهرهای شمال چین را در بر گرفته است. استعمار فوق العاده منابع طبیعی برای تامین رشد و توسعه آسیا در آینده بر نگرانی

زمینه استفاده کرده و پیامند‌های چگونه بر طرف کردن اینگونه مشکلات هم آشنا بشویم. سازمانها و احزاب مترقی و پیشرو باید سعی نمایند تا توجه و آگاهی اعضا و هواداران خود بوجه موازات آن توده مردم را نسبت به ضرورت ارزش گذاشتن به محیط زیست را ارتقا داده تا آنجا تیکه پاسداری از محیط زیست تبدیل به یک وظیفه و مسئولیت عمومی گردد.

تجربه‌های آسیایی به ما نشان میدهد که بهترین پیش شرط برای برخورد اروپا و دیگر رشد اقتصادی باید در درجه اول مستلزم برخورد اروپا و دیگر زیستبوم زنده و سالم میباشند.

ترجمه گزارش خیلی کوتاه اما بسیار گویای زیربنا نگر اهمیت این مسئله و وظیفه خطیری که در قبال کشورمان و کره زمین در حال حاضر و بقول در آستانه سال دوازدهم بردوش تک تک ماست، میباشند.

از دوده پیش به اینطرف رشد اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی بین پنج تا ده درصد بوده و صحبت از یک نیروی جدید در اقتصاد جهانی میباشند. جمعیت جمهوری خلق چین تقریباً چهار برابر بیشتر از اتحادیه اروپا (بیش از یک میلیارد) بوده و تولید ناخالص سرانه در این کشور یک دهم اتحادیه اروپاست. اما رشد اقتصادی چین سه برابر سریعتر از این اتحادیه است. اگر این رشد به همین ترتیب پیش برود چین خواهد توانست در هشت سال آینده تولید ناخالص خود را به اندازه اتحادیه اروپا برساند. روند

چند سالیست که بحث داغی پیرامون توسعه و رشد اقتصادی ایران در داخل و خارج از کشور در جریان است. در اکثریت قریب به اتفاق این بحثها، مقالات و برنامه‌ها تنها شاخصهای توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند و معمولاً هم بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از کشورهای جنوب شرقی آسیا (بیرهای آسیایی) بعنوان نمونه های موفق در این عرصه نام برده بدون آنکه نگاهی هم به آنزوری سکه انداخته و فجایی را که معجزه اقتصادی این کشورها در عرصه زیستبوم (اکولوژیکی) به همراه داشته اند مورد توجه قرار دهند.

رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه تولید ثروت و رفاه عمومی برای کشور ما البته یک ضرورت انکارناپذیر است. اما اگر این رفاه با رفاه زیستبوم همراه نباشد از تداوم برخورد اروپا و دیگر رشد اقتصادی آنی و منافع نسلیهای آینده را در معرض تهدید قرار خواهد داد که در آن صورت تنها با صرف هزینه های سرسام آور-آلبته اگر دیر نشده باشد- میتوان جلوی نابودی محیط زیست را گرفت و آنرا بازسازی نمود.

برای همه روشن است که یکی از مشکلات مهم عوم بشری همانا بر هم خوردن تعادل بین انسان و طبیعت، به خاطر استعمار بی وقفه طبیعت در خدمت سرد آوری و مصرف گرای بی‌درون مرز میباشند. ۹۹ درصد جاندارانی که روزی بروی این کره زیست میکرده اند محو و نابود شده اند و در حال حاضر هم هر روز تعداد زیادی از انواع مختلف حیوانات و گیاهان نسلشان یکبار برای همیشه بخاطر رفتار انسان از روی کره زمین محو میشود.

برهم زدن ساختار طبیعت، که در عرض میلیونها سال شکل گرفته، اگر همچنان ادامه یابد باعث بازهم بیشتر شدن عدم تعادل بین انسان و طبیعت که حاصلش هم چنین بیماری‌های گونه گون بیشتر، مرگ زودرس و

در نهایت تهدید پایا به های هستی بر روی کره ماست خواهد بود. همه و بخصوص آنها تیکه دست اندر کار طرح های توسعه برای ایران هستند موظفند تا در کنار رشد و عدالت اجتماعی به محیط زیست هم توجه کافی کرده و از تجارب تلخ همان کشورهای نمونه استفاده نموده و تنها آن شکل از توسعه و رشد را تبلیغ نمایند که در بر گیرنده شیوهای تولید با ضایعات و فضولات کمتر و محافظ تعادل بین انسان و طبیعت است.

اگر ما عمیقاً به اهمیت این مسئله پی برده باشیم و نخواهیم از اصطلاح حفظ محیط زیست تنها برای زینت بخشیدن به برنامه هایمان استفاده کنیم ملزم هستیم تا خود را به این علم مجهز کرده (باید یاد آوری شود که حفظ محیط زیست در این سالها به یک رشته علمی و صنعتی خاص خود تبدیل شده است) و در برنامه هایمان اهرمهای مناسب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را جهت رشد و توسعه در کنار رفاه و سلامت زیستبوم کشور ارائه دهیم. با توجه به این مسئله که، کشور ما در حال حاضر گرچه نصیبی از رشد و توسعه نبرده دچار مشکلات عدیده ای در این عرصه میباشند و اگر ما همین حالا احساسیت کافی جهت پاسداری از محیط زیست نشان ندهیم سر نوشتی غم انگیز تر از بیرهای آسیایی نصیبمان خواهد شد.

گذشته از آن اشاره به مشکلاتی از این دست در کشورمان پنهانی کافی نبوده و ما میبایستی که سعی نماییم تا از تجربه دیگران در این



# چيست درد فراگیر؟

نگاهی بر نقد میرزا آقا عسگری، مندرج در نشریه سیمیرغ شماره ۵۶، برد و کتاب شعر رضا مقصدی

مازیار کاکوان

تعریف "مرصاد العباد": خلاصه نفس انسان دل است و دل آینه است و هر دو جهان غلاف آن. در غزلیات فارسی و نیز ترانه‌های عامیانه، دل بکرات مورد خطاب قرار می‌گیرد. انگار موجودی مستقل و مسئول است. همه کاری از او برمی‌آید: آتش به هردو عالم می‌زند، آدمی را به حرمان می‌کشد، اسیر می‌کند، رهائی می‌بخشد، به معراج می‌برد و... حافظ می‌گوید: "ای دل حدیث ما بردلدار ما بگو" یا "سالمه دل طلب جام جم از ما می‌کرد / آنچه خود داشت زبیکانه تمنای می‌کرد" دل که جای خود دارد. در زمان پیرمرد و دریا می‌هینگری، ماهیگیر، با دست چپ از رمل افتاده اش درد دل می‌کند. چرا هنرمند مجاز نیست با دل و دیده دست، چنین کند؟

تفسیر آقای عسگری از شعرهای "بارانی دیگر"، "صاعقه و بهار من"، نه تفسیری کارشناسانه و واجد ارزش ادبی، که نوعی دهرن کجی و مزه پرانی به شیوه ستون انگولک جراید است. در تفسیر این شعر که: "روی طناب رخت / بوی گلی ز پیرهنش مانده است"، می‌نویسد: یعنی، پیرهن معشوقه گلداری بوده و اکنون فقط بوی یکی از آن گلها بر طناب مانده. حالا چطور این بوی روی طناب مانده معلوم نیست! (!!) یا وقتی شاعر می‌گوید: "کدام قسمت این آسمان نصیب منست؟"، می‌نویسد: "مگر آسمان‌های دیگری هم وجود دارند؟ نام آنها هم می‌گذارد بر سنی سماوی (!) و نتیجه می‌گیرد که شاعر سرش گیج می‌رود و نمی‌داند کدام قسمت این آسمان نصیب اوست!" در تفسیر این شعر که "نه سبب ادامه در صفحه ۱۱"

سازد. او شاعر را با کوله بارش از رودخانه لجن می‌گذراند تا "آلودگی" اش را انگشت نما کند. بر آبگینه شعر، او تنها لکه‌ها را می‌جوید، بی آنکه بخواهد و یا حجاب غرض بگذارد، خود شیشه را نیز ببیند و بر آن مکث کند. و شگفت آورتر آنکه "منتقد"، که خود سخنوری صاحب قریحه است، در سنجش عبارات شعر دیگران، گویی وجودش یکسر از احساس و درک شعر منتزع می‌شود، تا بدانجا که بخود اجازه می‌دهد بیکر زنده شعر را سبکسارانه منته کند و بر چهره مسخ شده‌اش پوزخند زند. بدین سیاق می‌توان از سرو کاشمر نیز هیمنه ساخت و آنگاه "رعنائی و خرمی" اش را به ریشخند گرفت.

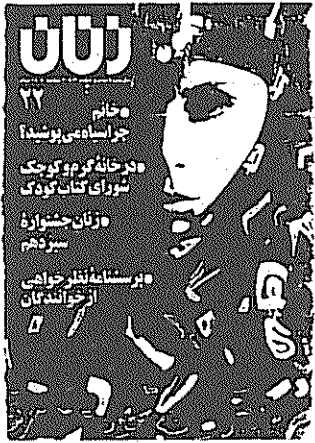
در "نقد" آقای عسگری، نکاتی مطرح می‌شود - که بمنابۀ باور شاعر شناخته شده‌ای چون او - مضحک و سوال انگیز است. ایشان می‌نویسند: "در شعر 'بهار من'، شاعر (آقای مقصدی) از دل عاشقش که انگار یک موجود جداگانه از خود اوست، می‌خواهد که او را 'به عطر عاطفه سبب' و 'آبی رخسار یک ترانه' ببرد!" به تعبیر آقای عسگری، شاعر مجاز نیست دل را که جزئی از وجود آدمی است، چون موجودی متمایز و مجزا، مخاطب قرار دهد. (نگذریم از اینکه عبارت "یک موجود جداگانه جدا از خود اوست" بلحاظ دستوری غلط و جدا از خود اوست، درست است.) دل، نه بلحاظ فیزیولوژی، بلکه به اعتبار تلقی‌ای که از آن بمنابۀ خاستگاه احساس، عاطفه و عشق، در فرهنگ و آه‌بیت وجود دارد، شاخص است و هویتی ممتاز دارد. در ادبیات عرفانی ما به

احلال در اصلت شعر فارسی و اقدام برای اضمحلال آن، باطل جلوه داد. بسیاری از شاعران بزرگ نیز با نشر سیاه مشق‌های خود یا به پهنه فعالیت ادبی گذاشتند. طبق نسخه‌ای که آقای عسگری می‌بچد، هیچکس نباید از صفر شروع کند. یا حداکثر، تنها شمار معدودی مجازند صاحب کتاب و رساله باشند، و گرنه دنیا بر خواص تنگ می‌شود.

درد فراگیر در تعدد و حتی تکرار سیاه مشق‌ها نیست. در عرصه شعر فارسی نیز همانند دیگر هنرها، کیفیت، عیار اصالت است نه مقدار. خرف، بازار لعل را نشکسته است که جای تغابن باشد. بنظر می‌رسد که احساس "غب" آقای عسگری باید آیشخوری جز اضمحلال اصلت شعر فارسی داشته باشد. درد کجاست؟ مسأله چیست؟ به گواهی آنچه که خود ایشان در "نقد" کتاب‌های شعر آقای رضا مقصدی نوشته‌اند، می‌توان انگیزه‌ی این "تغابن" را دریافت. گویا کیفیت بازتاب انتشار و کتاب شعر "نفس نازک نیلوفر" و "کسی میان علف‌ها" دو فصل منتظر است، در برخی نشریات فارسی زبان داخل و خارج کشور، خوشایند طبع آقای عسگری نبوده و این بدآیند، دستمایه "نقد" تخطئه آمیزی علیه آن سراینده و سروده‌هایش شده است. آقای عسگری در "نقد" خود، آشفته بازاری "راتر سیم" می‌کند که سکه‌های رایج آن، گویا: "چون زدگی"، "هذیان گویی" و "هجو سرانی" است. آنگاه شاعر مورد "نقد" خود را در چارسوی این بازار می‌نشانند تا ریشخند رهگذران

چيست درد فراگیر؟ نشر انبوه کتابهای شعر یا فقدان روحیه سالم نقد؟ به زعم آقای عسگری (مانی)، آیدمی انتشار مجموعه‌های شعر شاعران پرومیزی، شاخص فساد ادبی دامنگیری است، که اصالت شعر فارسی را در "خطر اضمحلال" قرار داده است. او با کشف تصادفی ابعاد این "فاجعه"، در مقام ممیز اصالت شعر و موکل آب فرات، وظیفه خود دانسته است که مروجان این "فساد" دامنگیر را به تیغ "نقد" بر جای خود بنشانند و مزرع سبز شعر فارسی را از "هجوم" ملخ و آرابی مایگی و بی‌ریشگی "حفظ" کند.

اگر اصالت شعر فارسی یا انتشار پنجاه یا صد دفتر شعر شاعران مهاجر، در خطر اضمحلال افتد، باید به این "اعتبار و اصالت"، شک کرد. اما این اعتبار هزار ساله را نه کتابسوزی‌های فرهنگ ستیزان و نه کتاب‌سازی‌های فضل فروشان، نتوانست مضمحل کند. حتی اگر محتوای اکثر کتابهای شعر شاعران پرومیزی، به زعم آقای عسگری، آکنده از سطحیات و مزخرفات باشد و به ضرب سرمایه ناشران سودجو و سرمایه شخصی شاعران شهرت طلب، هزار بار هم چاپ شود، باز اصالت شعر فارسی بر جای خواهد ماند و مانند گاری‌اش را نیز، نیاز به متولی نیست. احساس مسئولیت نسبت به حفظ اصالت شعر فارسی، هیچ حقی برای کسی بعنوان ممیز نشر کتاب و کمیت انتشار آن، ایجاد نمی‌کند. انتشار مجموعه‌های شعری و نقد آن - قطع نظر از درجه ارزش ادبی آنها - حق بدیهی هر شاعر و نویسنده‌ایست. این حق را نباید با اتهاماتی چون اشاعه "فساد ادبی"،



معرفی یک نشریه  
"زنان" نشریه‌ای که هر دو ماه یکبار در تهران انتشار می‌یابد از جمله نشریات موفق این سالهاست که در شرایط سانسور و تسلط نگرش‌های زن ستیز در حکومت، توانسته است در طرح دشواری‌ها و مشکلات زنان ایران کارنامه‌ای روشن از خود ارائه کند و در ارتقاء شعور اجتماعی و خود آگاهی زنان گام‌های مؤثری بردارد.  
"زنان" که تا کنون ۲۲ شماره از آن انتشار یافته، معمولاً در هر شماره خود گزارش جامع و مبسوطی از یک مسئله اجتماعی زنان به چاپ می‌رساند، گزارشهایی که لحن و راستای نقد آمیز آنها کمابیش نفی بخشی از ارزشها و معیارهای پس مانده‌ای است که ریشه در فرهنگ مردسالارانه جامعه مادرانند و با استقرار جمهوری اسلامی بر شدت و ابعاد آنها به نحوی سابقه‌ای افزوده شده است. گزارشی خواندنی از وضع زنان گدا در تهران، "آقا! تا حالا شده همسران را کتک بزنید؟"، و "چرا زنان منشی مطب می‌شوند؟"، "موقعیت زنان در جامعه دانشگاهی"، خانم چراسیاه می‌پوشید؟... از جمله گزارشی هستند که در شماره‌های ۱۷ تا ۲۲ زنان درج شده‌اند و در آنها از طریق ارائه نتایج پژوهش‌ها و پرسش و پاسخ با زنان و مردان مختلف، در جهت بازتاب زوایای از مشکلات اجتماعی، مشخص و خانوادگی زنان تلاش شده است. نقدهای جسورانه در باره ناتوانی و عقب ماندگی مباحث فقهی

ممکنست که انسانی زیر غلطک ماشین جاده صاف کنی پرورد او را به صورت مقوای تخت دریا بد و سپس دوباره به صورت انسان درآید؟ اگر این جریان را با چشم خود ندیده بود می‌توانست در صحت آن شک کند و یا به راوی خبر مشکوک شود. ولی او خود شاهد آن بوده است و جمالی زاده از تناقض بین آنچه دیده است و آنچه که به تجربه می‌داند در واقعیت اتفاق می‌افتد چارکتور بحران درونی و فلسفی و یا به قول منتقد - پاسا ساختار گرای هندی - اسپروکایی، خانم گیاتری اسپروکایی، دستخوش یک نوع "خشونت ارزشی و معرفتی" می‌شود. به همین جهت نزدان دوان و هراسان به سوی خانه می‌دود تا آنچه را که دیده است برای پدر و مادرش شرح دهد و برای آنها سوگند یاد کند که آن را به چشم خود ندیده است و از آنجا که در سفرنامه‌اش از بیان حالات کلی خود احتراز می‌کند. به طور مسلم هم جمالی زاده و هم مظفرالدین شاه هم از این واقعه و گزارشش و فیلم‌های حقه‌ای و داستانی اولیه را دیده بودند اما جالب است که مظفرالدین شاه بیشتر از فیلم‌های مستند و گزارشی نام می‌برد و جمالی زاده از فیلم‌های حقه‌ای که آن روزها رسم بودند. جمالی زاده ۱۲ ساله از قابلیت فیلم بردن در واقعیت و بهم ریختن قوانین فیزیکی آن - هم به خاطر صامت بودن فیلم و هم به علت حقه‌های سینمایی که اواز آنها بی‌خبر بود - نه تنها حیرت می‌کند بلکه به هراس می‌افتد. دیدن ای نوع فیلم، اعتماد جمالی زاده را نسبت به پایداری و ثبات واقعیت و نسبت به صحت آنچه که انسان به چشم می‌بیند متزلزل می‌کند. چگونه

می‌افزاید امکان سفر به سرزمین‌های دیگر و دیدن شگفتی‌های طبیعی و آداب و رسوم متفاوت و عجیب و غریب دیگران است بدون اینکه لازم باشد تماشا گرازندلی (یا نیمکت) خود برخیزد. چهارمین سبب حیرت و لذت، قابلیت فیلم در انتخاب ربودن صحنه‌هایی از واقعیت عادی و ضبط آنها به صورتی است که این صحنه‌های عادی ناگهان حاوی معانی و زیبایی‌های بیشتر و عمیق‌تری می‌شوند. مظفرالدین شاه از این دیدن باران، جریان آب در رودخانه و بازی افراد در آب سخن می‌گوید. معتضدی نیز از دیدن پدیده‌های گذرا چون دود سیگار و قطرات آب جهنده صحبت می‌کند. واکنش جمال زاده از آنچه بر پرده می‌بیند شدیدا تر از هر دو اینهاست - خصوصا شدید تر از مظفرالدین شاه که به طور کلی در سفرنامه‌اش از بیان حالات دیدنی خود احتراز می‌کند. به طور مسلم هم جمالی زاده و هم مظفرالدین شاه هم از این واقعه و گزارشش و فیلم‌های حقه‌ای و داستانی اولیه را دیده بودند اما جالب است که مظفرالدین شاه بیشتر از فیلم‌های مستند و گزارشی نام می‌برد و جمالی زاده از فیلم‌های حقه‌ای که آن روزها رسم بودند. جمالی زاده ۱۲ ساله از قابلیت فیلم بردن در واقعیت و بهم ریختن قوانین فیزیکی آن - هم به خاطر صامت بودن فیلم و هم به علت حقه‌های سینمایی که اواز آنها بی‌خبر بود - نه تنها حیرت می‌کند بلکه به هراس می‌افتد. دیدن ای نوع فیلم، اعتماد جمالی زاده را نسبت به پایداری و ثبات واقعیت و نسبت به صحت آنچه که انسان به چشم می‌بیند متزلزل می‌کند. چگونه

در پیوند با صد سالگی سینما  
حمید نفیسی  
قسمت سوم  
موضوع مهم نظری به شمار می‌رود و کسانی چون آندره بازن تصویر فیلم شده را یک صورتک، قالب، یا یک اثر انگشت از واقعیت به حساب می‌آورند (۱۰). زبیر فید کرا کاور نیز قابلیت فیلم را در باز آفرینی عینی و واقعیت نوعی نجات بخشی واقعیت در دنیا صنعتی شده و مدرن جدید می‌دید (۱۱). اصرار صحافی‌هایی که در چند جمله کوتاه دوباره مسئله باز آفرینی فیلم از واقعیت عینی را مطرح می‌کنند شاید به این علت باشد که واقعیت ایرانی در عصر او دستخوش تحولات آنقدر شگرفی شده بود که تنها جایی که می‌توانست واقعیت را شکار کند، تیت و به قول کرا کاور نجات بخشیدن همان روی نوار سلولر بود. بدین ترتیب واقعیت فیلم شده یکنوع احساس آرامش و ثبات در تماشاگر مضطرب بوجود آورد.  
سومین سبب حیرت تماشاگر ایرانی از سینمای اولیه را باید در نوع رابطه تماشاگر با پرده سینما جستجو کرد که تماشاگر را به طور کلی در حالت "نظاره دزدکی" (به اصطلاح: استراق بصر) قرار می‌دهد چونکه وی از برای پنجره‌ای (پرده سینما) شاهد اعمال افرادی است که خود آنها ظاهرا به حضور تماشاگر آگاه نیستند. این دزدکی بردن از سینماست (۱۲). عامل دیگر که به لذت و حیرت از سینما

روشن بود و خوب دیده می‌شد. اولین بار بود که من چشم به سینما می‌افتاد و غرق حیرت و مات شده بودم که می‌دیدم آدمها روی دیوار مقابل در یک مربع دودرغ و نیم در ساکت بودند. خیابانی را نشان می‌داد که مردی با چرخ و ماشین بسیار سنگین و بزرگ داشت خیابان را درست می‌کرد. ناگهان یک نفر عابرا افتاد زیر چرخ یا غلطک ماشین و وقتی چرخ رد شد آن آدم به صورت آدم مقوایی بدین صورت (نقاشی خطی از آدم مقوایی پهن شده بر زمین) درآمد. ناگهان یک نفر آدم دیگر با تیشه و تبر دست رسید و این آدم مقوایی را بلند کرد و با تیشه و تبر دوباره او را به صورت آدم متحرک درآورد. ضمنا من دیدم که آب هم در جوی خیابان جاری است و اسبی هم حرکت می‌کرد و روی پهنه تماشا بیشتر از ۱۵ الی ۲۰ دقیقه طول کشید و همان آقا سید آمد و خیر داد که مجلس تمام شد و من بیرون رفتم و دوان دوان خودم را به منزل مان که دور بود (در محله سید ناصرالدین که در زمان رضا شاه بنام خیابان خیام درآمد) نفس نفس زنان رساندم و به پدرم که در خانه بود و به مادرم داستان آنچه را به چشم خود دیده بودم و قسم می‌خوردم که کاملا راست است حکایت کردم. مادرم تعجب می‌کرد و پدرم لبخند بر لب داشت و خالی از تعجب نبود و سعی داشت به طوری خاطر مرا راحت کند: با دستهای خود در جلونور چراغ سایه به دیوار اطاق انداخت و برایم شرح داد که لابد چنین بوده است  
از این متون که بیانگر واکنش ایرانیان نسبت به سینما در اولین

سومین متن به محمد علی جمالزاده اختصاص داده شده که طی مراسلات متعددی بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷ خاطرات خود را در حدود سینما برای من نقل کرد. جمالزاده سه خاطره از فیلم دیدن خودش را برای من تعریف کرد. از اولین خاطره او که در زیر نقل می‌شود چنین برمی‌آید که او اول بار در سن ۱۲ سالگی فیلم را در سینمای چراغ گاز ابراهیم خان صحافی‌اش دیده است:  
اولین بار در ابتدای خیابان برق که کارخانه گاز حاج حسین آقا امین الضرب در آنجا بنا شده بود فیلم دیدم. وقتی از میدان توپخانه وارد خیابان برق می‌شدم در همان اول خیابان، دست راست قهوه خانه معروفی در بالا خانه بود و در زیر آن دکانی بود خالی و من دیدم که در دکان باز است و در آن گرد و خاک، میز و صندلی گذاشته‌اند و یک نفر سید با عمامه که می‌شناختم و اصفهانی بود و سیف‌الذکرین لقب داشت روی صندلی پشت میز نشسته است و در بالای دکان تابلویی کوبیده‌اند و روی آن کلمه "سینما" یا خط درشت نوشته شده بود. و روید و دو قران بود من دو قران داشتم و دادم یک بلیط به من داد و خوردش هم مرا به داخل سینما راهنمایی کرد (گویا با چراغی بدست چون داخل مغازه و فضای پشت مغازه که سینما بود و نیمکت‌های چوبی در آن چیده بودند و در آخر آن پرده سینما بود کاملاً غرق در تاریکی بود و حتی یک چراغ هم نداشت). تماشا چیزها زیاد نبودند. بعد از ظهر بود و مردم کاسیکار در دکانهای خود مشغول بودند و در تاریکی چشم چشم رانمی‌دید. آن آقا سید مراد راجایی نشاند و خودش رفت. پرده سینما



## اول ماه مه، روز کار، رزم و میخک سرخ



اول ماه مه جشن کار است. هر ساله نیروهای زحمت و داد در سراسر جهان به پیشواز اول ماه مه می‌شایند و این روز را گرامی می‌دارند و جشن می‌گیرند. در بسیاری از نقاط جهان، اول ماه مه را رسماً روز جهانی کارو کارگر خوانده‌اند و این روز از تعطیلات رسمی است.

چون تمامی روزها و جشن‌های زحمتکشان و دادپرستان، این روز نیز توأم با یاد کسانی است که در بیش از یک سده رزم کارگران علیه ستم و برای برابری و حقوق حقه‌شان زیر پرچم مه‌جان بر سر پیمان نهاده و خون سرخشان را بر پرچم ارغوانی مه افزوده‌اند.



از آن روزی که آلبرت پارسونز، آگوست اسپایز، جرج انگل و آدولف فیشر به عنوان نخستین قربانیان جنبش کار، جنبش اول مه به حکم بیداد گاه‌های سرمایه محکوم به مرگ شدند بیش از یک قرن می‌گذرد، قریبی که برگ برگ آن با مبارزه و قهرمانی بی‌شمار همراه است. صدونه سال پیش در سال ۱۸۸۶، کارگران شیکاگو در "های مارکت" این شهر گرد آمدند و مسالمت جویانه خواهان ۸ ساعت کار در روز شدند. و از آن روزها در سایه نبرد یکپارچه کارگران و نیروهای مترقی جنبش کار، پیروزی‌های بسیاری در دست آمده است. با این حال در بسیاری از کشورهای دنیا هنوز کارگران از ابتدایی‌ترین حقوق خود محرومند و صدها هزار کودک حتی چهار ساله در گرگ و میش صبح بر سکوی کار چشمان خواب‌آلود خود را بر دنیای رنج می‌گشایند و تنها پاسی از شب گذشته، دیدگان خسته‌شان را در حسرت می‌آسایش بر روی همان سکوبرهم می‌نهند.

در ایران نیز دهه‌هاست که اول ماه مه جشن گرفته می‌شود. نخستین برگزاری علنی و وسیع مه در ایران به سال ۱۳۰۱ بر می‌گردد. مستبدین

بود، جنبش کارگری در ایران نضجی گرفت. مبین ما شاهد سه دور بزرگداشت وسیع جشن مه، جشن کار بود. در سال ۱۳۶۰ فدائیان بزرگترین گردمانی اول ماه مه را با حضور ده‌ها هزار ایرانی برپا داشتند. این بزرگترین جشن اول مه مورد هجوم وحشیانه حکومتیان و عمال آنان قرار گرفت. در جریان حمله به متینگ جشن کار در سال ۱۳۶۰، دو تن از جمله نوکل فدائی میترا صانعی در نتیجه انفجار نارنجک در میان صفوف حاضرین، جان باختند. صد هاتن زخمی شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

از آن پس و همراه با تشدید استبداد در ایران، امکان برگزاری آزادانه جشنهای اول ماه مه از میان رفت و کارگران همواره مجبور شده‌اند، روز کارگر را در زیر تیغ استبداد گرامی دارند. اما استبداد و اختناق هرگز نتوانسته‌اند نه گرد فراموشی بر این روز نشانند و نه آنرا از مضمون رزم جویانه و عدالت خواهانه خود خالی کنند.

اول ماه مه در قلب هر انسان زحمتکش و آزادی خواه زنده‌است و این است راز جاودانگی روز جهانی کارگر.

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

## اول ماه مه، روز جهانی کارگر گرامی باد!

کیسه‌های عده‌ای معدود و فقیر فزاینده توده مردم بوده است و امروز وقتی این "ولی نعمتان کوخ نشین" برای حل حتی ابتدایی‌ترین مشکل، زبان به اعتراض می‌گشایند، دهانشان با گلوله‌های داغ ماموران مسلح دوخته می‌شود.

مصیبت در کشور ما تنها بحران فلج کننده اقتصادی و اجتماعی و وضع مشقت با رزندی مردم نیست. نگرانی جدی آنست که چشم انداز فردا تیره تر از امروز است. مردم راهیج امیدی به گشایشی در وضع کنونی باقی نمانده است. حکومت نه برنامه‌ای برای مهار بحران دارد و نه اساساً دیگر قادر است از پس چنین کاری برآید. در حال حاضر هم و غم عمده آنها دفاع از حریم قدرتشان، آنهم تنها به زور گلوله و سرنیزه است و گویی نمی‌فهمند عاقبت راهی که در پیش گرفته‌اند به کجا خواهد انجامید.

در مروج اعتراضی بحق مردم علیه وضع موجود که به اشکال مختلف اینچوا آنجا سر بر می‌آورد، کارگران ایران از موقعیت ویژه‌ای برخوردارند. آنان از بیش از هفت دهه تجربه مبارزه متشکل برای خواستهای صنفی و سیاسی برخوردارند. این تجربه امروز می‌تواند در خدمت مبارزات اعتراضی آنها برای جلوگیری از سقوط بیش از پیش سطح زندگی‌شان و در خدمت بیکار سیاسی ایران در راه عقب نشانیدن استبداد قرار گیرد. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ و مسیر حوادث پس از آن و دهها نمونه در کشورهای استبداد زده دیگر جهان نشان داده است که ما بین تلاش زحمتکشان برای بهبود شرایط کار و سطح زندگی‌شان و آزاد پهای سیاسی در جامعه ارتباط تنگاتنگ وجود دارد. در جایی که حق مشارکت واقعی در سرنوشت سیاسی از مردم سلب شده، مخالفان بشدت سرکوب می‌شوند و حق سئوال و بازخواست برای کسی نیست، مبارزه‌ی فقط صنفی برای بهبود شرایط زندگی، یا بی نتیجه بوده و یا اگر نتایج به همراه داشته، دوام دار نبوده است. از اینرو در شرایط امروز جامعه ما، تلاش برای جلوگیری از سقوط سطح زندگی کارگران و بهبود آن، بزمیان زیادی بستگی به حل مشکل سیاسی بزرگ کشور ما، یعنی غلبه بر استبداد دارد. گسترش مبارزه سیاسی برای تأمین آزادی‌های دموکراتیک و سیاسی و حقوق مدنی در ایران امروز، راهگشای ایجاد و تحکیم سندیکاها و اتحادیه‌های کاری و مبارزه برای بهبود شرایط زندگی و کار زحمتکشان کشورمان است.

در هر کجا که هستیم، اول ماه مه را جشن بگیریم. بزرگداشت روز کارگر، تجدید میثاق با آرمانهای انسانی و اهداف عدالتخواهانه و آزادی بخش اول ماه مه است. باید که این درفش مبارزه علیه استعمار، بی‌عدالتی و استبداد در اهتزاز نگاه داشته شود.

فرخنده یاد روز جهانی کارگر  
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
اردیبهشت ۱۳۷۴

## فاصله طبقاتی بیشتر و بی‌پرده تر شده است

جواب دهید! در کشوری که بعد از جنگ می‌بایست به بازسازی و رفع مشکلات متولیان اصلی انقلاب بپردازد، خیل عظیم اتومبیل‌های چندین میلیونی چگونه وارد مملکت می‌شود؟ وجه کسانی و با چه پول باد آورده‌ای، آنها را می‌خرند؟ با سازها و مراکز تجاری سربه فلک کشیده در بهترین نقطه تهران و شهرهای عمده کشور چگونه به آسمان نوره می‌کشند؟ آیا سرب‌ها به خیابان‌های شمال شهر، خصوصاً خیابان شهید بهشتی، زده‌اید؟ این نمایشگاه‌های عظیم اتومبیل (که منحصراً اتومبیل‌های بالای ده میلیون تومانی را خرید و فروش می‌نمایند) چگونه ایجاد شده‌اند؟ اینهایی که می‌گویم فقط ذره‌ای از آن چیزی است که همه مردم در خیابان‌ها شاهد آنند. دیگر سفرهای مکرر به اروپا و آمریکا، زندگی در خانه‌ها یا در قصرهای آنچنانی و خرج‌های نجومی بمانند!

در کشوری که بیماری مستأصل بایستی دارویی را که حیات وی به آن بستگی دارد، از قاچاقچیان و باقیمتی سربه فلک کشیده تهیه نماید، در کشوری که از شیر خشک کودک شیرخواره دریغ می‌شود و برای تهیه یک قوطی آن می‌باید مبلغی تا ۱۰۰۰ تومان به دلال خیابانی پرداخت کرد (البته به گفته مسؤلان خدمتگزار! در درجه اول عده‌ای سودجو محتکرو بعد مشکلات ارزی باعث چنین کمبودهایی هستند. هفته نامه شما نیز به شکلی دیگر سعی در ربط مسایل به آنها دارد) این اتومبیل‌های آخرین مدل و هزار چیز لوکس خارجی (از خوراکی گرفته تا پوشاک) که فقط مخصوص از ما بهترین هستند، چگونه وارد میشوند؟ آیا برای آنها ریال پرداخت می‌شود؟ یا آن

متن زیر کوتاه شده‌ی نامه پدر یک بسیجی به هفته نامه "پیام دانشجوی بسیجی" است. این نامه به مسائلی اشاره دارد که از واقعیت جامعه ماست و همگان از آن مطلع‌اند، اما اهمیت آن در این است که از زبان پدر یک بسیجی است که سران حکومت خود را متکی به آنها و خادم آنها معرفی می‌کنند.

البتة بحرانی که در سال‌های اخیر دامنگیر دانشجویان، خصوصاً دانشجویان بسیجی، شده و دانشگاه‌ها به طور چشمگیر از صحنه سیاست دور شده‌اند و چرخش برخی سیاست‌ها از مستضعفان و مردمی که همه چیز خود را در راه به ثمر رسیدن انقلاب و جنگ تحمیلی از دست داده‌اند، و موج ناپسمانی‌های اقتصادی و دزدی‌ها و رشوه‌گیری‌ها و اختلاس‌ها میان برخی مسئولان مملکتی، عملاً دانشجوی بسیجی را در قبال هزاران سؤال خلع سلاح کرده‌است. و فرض دوم را به بقین نزدیکی می‌گرداند، حالا می‌بایست به نام دانشجوی بسیجی روزنامه منتشر کرد و دم از انتقاد زد تا آب رفته را به جوی بازگرداند.

می‌گویید: چرا انتقاد؟ چون چیزی برای دفاع وجود ندارد. بگذارد بی‌پرده بگویم: کدام دولتی در جهان، خصوصاً جهان سوم، وجود دارد که دانشجوی سیاسی بخواهد؟ دانشجوی سیاسی مری دماغ دولت‌هاست. ولی مگر میشود گفت که دانشجوی سیاسی نباشد، آنهم در کشوری که مردم آن انقلاب کرده‌اند و از قضا، بخش عظیمی از شهدای آن در طول انقلاب و جنگ ده ساله تحمیلی از محصلان و دانشجویان تشکیل شده است؟ بله، دانشجویان در چنین کشوری می‌بایست سیاسی کرد، البتة در کانالی که از قبل طراحی شده و خطری از آن متوجه نباشد، چرا که اگر چنین شود، اتفاق دیگری می‌افتد.

اجازه بدهید دلیل این استدلال خود را از ایلا ی هفته نامه خودتان بیرون بکشیم. ضربه اصلی شما در تمام سطوره هفته نامه پیام، متوجه مشکلات اقتصادی است، آنهم به شکلی که هیچ پایه و اساس علمی و منطقی ندارد. گویی تعمدی در منحرف نمودن آذهان از ریشه اصلی مشکلات در آن است.

برادران، اگر کمی صداقت داشته باشید (که انشاء الله دارید) نمی‌توانید منکر این قضیه باشید که فاصله طبقاتی در میان فقیر و غنی به شدت افزایش یافته است. برادران، آنچه که اکنون مردم گرفتار آنند و این معضلات که در همه ابعاد زندگی به طور واضح به چشم می‌خورد، آنطور که شما در هفته نامه‌تان سعی در القای آن دارید، ناشی از دزدی و رشوه خواری و اختلاس عده‌ای منافق و وطن فروش و دین پرور داده نیست. آنچه که این فاصله طبقاتی و استیصال را برای مردم پیش آورده، حاصل سیاستی است همه جانبه که چهره خود را روز بروز آشکارتر می‌کند. خوب به خیابان‌ها نگاه کنید: در حالی که اکثر مردم برای گرفتن یک فوطی روغن نباتی خارجی و یک قالب کرفه‌ده کیلو برنج آمریکایی... در صف‌های کیلومتری وقت می‌گذرانند و توی سربیک دیگر می‌زنند، نوکیسه‌های بعد از انقلاب در اتومبیل‌های آخرین سیستم خود (که قیمت بعضی از آنها از پنجاه میلیون بیشتر است) به ریش منتظران در صف‌ها می‌خندند.

دلارهایی که نمیشود برای چیزهای اساسی تری خرج کرد؟ آقایان، خوب نگاه کنید، ببینید که چه بر سر کارخانه‌ها آمده! فقط دو نمونه مثال برای شما میزنم: دو کارخانه عمده تولید اتومبیل در ایران (ایران خودرو و سایپا) که آن همه از وابسته بودن آنها به خارج شکوه میشد و بر بنیان گذاران آن لعنت نفرین فرستاده می‌شد و هنوز می‌شود، به چه وضعی افتاده‌اند؟ هر دوه شرکت‌های وارد کننده اتومبیل مونتاژ تبدیل شده‌اند و به قول مسؤلی که در برنامه اقتصادی تلویزیون با وی مصاحبه شده بود، فقط یاد لاستیک‌های آنها محصول ایران است!

برادران، خوب باید به خاطر داشته باشید که در اوایل انقلاب و تا سال‌ها بعد، کسی جرأت سوار شدن به اتومبیل‌های به اصطلاح سوپر طاغوتی را نداشت. حالا چه شده است که اتومبیل‌های سوپر طاغوتی در خیابان‌ها موج می‌زنند؟ آنهم از نوعی که با قیمت یک دستگاه آن می‌توان ده خانه برای بی‌خانمان‌ها تهیه کرد؟ مگر این گفته گهربار را فراموش کرده‌اید که "کاخ‌های ساخته نمی‌شود، مگر آنکه کوخی بر سر بیچاره‌ای خراب شده باشد.

خوب توجه فرمایید، افزایش روزافزون فساد، رشوه خواری، رشد فزاینده بیکاری بنهان و آشکار، آمار منتشر نشده و تکان دهنده غلبه روحیه کاسب مآبی در مردم، پیدایش شغل‌های کاذب در حد و مقیاس وسیع، از جمله دلای کلا و ارز، کوپن فروشی و غیره... همه مولود بی‌عدالتی و عمیق تر شدن فاصله طبقاتی است.

## کلمه شهادت رنجبری

ابولقاسم لاهوتی

شهادت می‌دهم برایتکه من از ملت کارم نژاد ستمی و تخم رنج و نسل دوره زحمت به چیزی نیستم تابع بجز فرسوده زحمت بجز زحمت ندارم مدعی اینست اقرارم جواز پستان زحمت داد شرم مادری و روان کنون یا نیتی روشن به حکم سلک و وجدان در اینجا قول مری می‌دهم من کنم پیمان که تا در بازوانم زور هست و در تن من جان بگویم بهر آزادی صنف فعله و دهقان بچنگم بر علیه ظالمان و فرقه بایان نگردد تا جهان آزاد از ظلم بشریکسان از این مقصود عالی دست هرگز بر نمی‌دارم



# زندگی کارگران زیر فشار فقر

تجمع اعتراضی، توقف و اعتصاب کوتاه مدت بوده است. مطالبات کارگران عمدتاً حول محور خواسته های معیشتی (خواسته افزایش دستمزد به شکل مستقیم و یا در اشکالی همچون افزایش حق مسکن، اعطای وام مسکن، حق اولاد، حق بهره وری، عیدانه) و تامین امنیت شغلی بود. خواسته ها اگرچه صنفی بودند، اما کمتر حرکتی در کمتر کارخانه ای بود که شکل سیاسی نگیرد و پیامد آن سرکوب و دستگیری نباشد.

به دلیل هراس رژیم از بازتاب حرکات اعتراضی کارگران و اختناق پلیسی که بر کارخانجات حاکم است، اخبار اعتراضات کارگران به ندرت به بیرون از کارخانه درز کرد. گزارش اپوزیسیون و مطبوعات مستقل کارگری دیرتر و کمتر از آنچه که روی داد بود. برخی از حرکات اعتراضی که در نشریات اپوزیسیون بازتاب یافتند عبارت بودند: اعتصاب کارگران مولد الکترو لاکس ساوه، اعتصاب کارگران کارخانه های تولید ما کارونی و پوشاک در همدان (به دلیل کمبود دستمزدها)، تجمع اعتراضی رانندگان اتوبوسرانی شیراز (با خواسته پرداخت دستمزدها)، اعتراض کارگران و کارمندان منطقه ۱۲ شهرداری تهران (به خاطر دستمزدها)، اعتصاب ۱۱۰۰ کارگر سنگبری در استان اصفهان، اعتصاب کارگران شرکت حمل و نقل بستان (به دلیل کمبود دستمزدها)، توقف سه روز تولید و اعتصاب کارگران کارخانه مهنایی سازی کرج (به دلیل اعتراض به اخراج کارگران)، اعتصاب کارگران کوره پزخانه های مرند (بر افزایش دستمزدها)، اعتصاب ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه اتمسفر کرج، اعتصاب کارگران اداره پست منطقه ۱۱ تهران، اعتصاب کارگران کارخانه چوکای هشتر (به خاطر حقوق معوقه و عدم پرداخت عیدی)، اعتصاب کارگران کارخانه چوب اسالم در استان گیلان، اعتصاب کارگران کارخانه آجرشهرضا (به دلیل عدم پرداخت عیدی و پاداش)، اعتصاب کارکنان راه آهن تهران، تجمع اعتراضی کارگران قرقه سازی نخ تاب اصفهان، اعتصاب گروهی از کارگران سد جایی واقع در جاده کباسر، راه پیمایی اعتراضی کارگران راه آهن تهران، تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سرمایه سازی کازرون (به خاطر تعویق دستمزدها)، اعتصاب کارگران شهرداری خوی (به دلیل کمبود دستمزدها)، اعتصاب کارگران نساجی سیمین اصفهان، اعتصاب ۱۵۰۰ تن از کارگران کارخانه سیمان لوشان (به خاطر خصوصی کردن کارخانه)، اعتصاب کارگران و کارمندان کارخانه کشت و صنعت کارون و شعار کارخانجات و کارگرانی

که به اعتراض علیه رژیم برخاستند به معنی کیفیت تازه نیست. مبارزه کارگران هنوز در آغاز راه است. افتان و خیزان. این حرکت ها اگر سازمان یافته و هماهنگ با سایر کارخانجات و کارگران، پیش رود می تواند تاثیر بسیار سازنده تر و عمیق تر بر حوادث داشته باشد و خیزش های خود جوش را به سمتی سازنده و مثبت هدایت کند. شرط کارایی مبارزه کارگران بسیج و تشکل آنان در سندی یکاها و اتحادیه های کارگری است. کارگران متشکل در سازمانهای صنفی عامل دفاع از حقوق کارگران، تعادل اجتماعی و ضامن تداوم دموکراسی هستند. دفاع فعال از حقوق کارگران وفاداری به دموکراسی است.

دستور بحث شورای عالی کار بود. چند جلسه پیاپی طول کشید تا حداقل دستمزد روزانه ۵۳۲ تومان به تصویب رسید. پیشنهاد بر آن بود که با توجه به رشد تورم، افزایش دستمزد بیشتر از ۲۰ درصد نباشد. پیش از تصویب حداقل دستمزدها در شورای عالی کار، علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر که تشکیلاتی وابسته به حکومت است در گفتگو با مطبوعات گفت: اگر سید هزینه که مدتی است از سوی بانک مرکزی اعلام نمی شود، اعلام شود به نظر می رسد حدود ۳۳ هزار تومان رانسان دهد. بر این اساس پیشنهاد ۵۰ درصد حداقل دستمزد کارگران را داده ایم و معتقدیم این میزان فقط می تواند مشکل زندگی کارگران را تخفیف دهد.

تصویب حداقل دستمزد روزانه ۵۳۳ تومان نشان داد که رژیم علیرغم توصیه عوامل خود حاضر به تخفیف فشار زندگی از دوش کارگران نیست و می خواهد آنان هم چنان زیر خط فقر بمانند. مبلغ ۵۳۳ تومان حداقل دستمزد که بخشی از آن بابت مالیات و بیمه کسر می شود، هیچ گونه انطباقی با تورم نجومی و انفجار قیمت ها ندارد. با این مبلغ دستمزد، کارگران قادر نیستند حتی نیازهای اولیه ای که برای زدن ماندن و ادامه استثمار غیر انسانی از سوی سرمایه داران ضروری است، تامین کنند. یک خانواده کارگری اگر مستاجر باشد، تمام دستمزد ماهانه او صرف اجاره خانه خواهد شد. از افزایش قیمت مواد سوختی، آب، برق و نان در آغاز سال و تغییر قیمت ناگهانی یک کیلو سیب زمینی از ۵۰ تومان به ۹۰ تومان در فاصله هفته گذشته، بیداست که کارگران با چه دشواری، فقر و فلاکت تکان دهنده ای روبرو هستند و رژیم زندگی را چگونه بر آنان به جهنم تبدیل کرده است.

بر اساس نوشته مطبوعات بخش عظیمی از مردم در فقر مطلق به سر می برند. بنا بر گزارش های رسمی خط فقر در سال گذشته ۳۸ تا ۳۸ هزار تومان بود. یعنی کارگران و هر خانواده ایرانی دیگری که کمتر از ۳۸ هزار تومان در آمد داشت در فقر غذایی به سر آمد، کم تر پوشید، در نوشته روزنامه رسالت در سال گذشته ۷۶ درصد مردم در روستا و ۸۱ درصد در شهرها در فقر مطلق بودند. تصویب ۱۶ هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد کارگران، در عمل رسمیت بخشیدن به زندگی میلیونها ایرانی در زیر خط فقر است.

## مبارزه کارگران

مبارزه کارگران علیه بیکاری، اخراج و باز خرید اجباری، کمبود دستمزدها، مطالبه دستمزد های معوقه، افزایش حق مسکن و اعطای وام مسکن، افزایش حق اولاد، توزیع بن کارگری و مخالفت با واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی به اشکال مختلف پیش رفته است. در بررسی اشکال مبارزه و مقابله کارگران علیه سیاست های رژیم هم تداوم و پیوستگی به چشم می خورد و هم پراکنندگی. پیوستگی و تداوم در نفس مبارزه و ایستادگی در مقابل سیاست ضد کارگر رژیم و پراکنندگی در شکل و چگونگی حرکت. اشکال مبارزاتی کارگران در اکثر موارد به شکل تهیه طومار،

بخشی از آنان ساکن و بخش عظیمی در جستجوی کارمدم در مهاجرتند. کارگران ساختمانی، کارگران بیمانی، کارگران راه و جاده سازی، کارگران کوره های آجر پزی و کشاورزی... اشتغال فصلی دارند اما درآمد ولتی بدون در نظر گرفتن بیکاری مطلق آنان، در ردیف شاغلین ثبت شده اند.

به نوشته روزنامه کار و کارگر شمار بیکاران مطلق و پنهان ۴ میلیون نفر است. اگر آمار روزنامه رسمی رژیم را مینا قرار دهیم و شاخص خانوار را ۵ نفر در نظر بگیریم، هم اکنون ۲۰ میلیون نفر در ایران در چنبره بیکاری گرفتارند. در گزارش های دیگر سخن از ۸ میلیون بیکار است.

بر آمار جاری بیکاران سالانه ۷۰۰ تا ۷۵۰ هزار نفر متقاضی کار افزوده می شود به اعتبار برخی از نوشته ها شمار متقاضیان سالانه کاریک میلیون نفر است. چه بخشی از این نیرو جذب بازار کاری شود آمار متفاوتی درج شده است. در فاصله برنامه پنج ساله دوم که سال اول آن سپری شده است نیروی فعال جمعیت کشور به ۳۹ میلیون نفر خواهد رسید. در این برنامه ایجاد ۹۵۰ هزار شغل در نظر گرفته شده است. ارزیابی پاره پاره سال ۷۴ نشان می دهد که دولت سالانه حتی قادر به ایجاد اشتغال برای ۱۵۰ هزار نفر نیست و هر سال بیش از ۶۰۰ هزار نفر متقاضی کار بر خیل عظیم بیکاران افزوده می شود. بنابراین در پایان برنامه شمار بیکاران از ۱۰ میلیون نفر خواهد گذشت و نرخ اشتغال به زیر ۱۰ خواهد رسید و بار تکفل افزایش خواهد یافت.

## زندگی در زیر خط فقر

شدت گرانی و کاهش شتابان قدرت خرید مردم به ویژه زحمتکشان و کارگران بر کسی پوشیده نیست اما تصویر واقعی از نقش فلاکت بار گرانی بر زندگی وقتی به دست می آید که نرخ رشد قیمت کالاها و خدمات با درآمد کارگران مقایسه شود. در سال ۷۳ قیمت همه کالاها و خدمات دولتی و غیر دولتی بدون استثنا از ۲۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش یافتند اما حداقل دستمزد کارگران علیرغم گرانی شدید و سقوط بی سابقه ارزش ریال همچنان در سطح ۳۹۰ تومان که در آغاز سال از سوی شورای عالی کار تصویب شده بود، ثابت ماند. سایر مزایا از جمله حق اولاد، حق مسکن، عیدی که در واقع دستمزد اصلی کارگران است به تشخیص کارفرما فقط به کارگران مشمول قانون کار پرداخت شد. پولی که بابت مزایا پرداخت شد مجموعاً ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان بود و چنان ناچیز بود که تأثیری در تخفیف فشار گرانی سرسام آور و جبران کمبود حداقل دستمزدها را نداشت. بسیاری از کارفرمایان همین به اصطلاح مزایا را به بیانه های مختلف نپرداختند. هم چنین میلیونها کارگر فصلی شاغل در بخش ساختمان، کشاورزی، کارگران کارگاه های کوچک و ۲/۵ میلیون نوجوان قالیباف از آنجا که مشمول قانون کار نبوده و نیستند از دریافت بخشی از دستمزد خود که زیر عنوان مزایا پرداخت می شود، محروم ماندند.

از آغاز سال جاری دستمزد پایه کارگران از ماهانه ۱۱۶۸۲ تومان به ۱۶ هزار تومان تغییر یافت. تغییر حداقل دستمزدها از بهمن ۷۳ در



واحدهای تولیدی به عنوان عاملی در کند کردن خصوصی سازی است. بر اساس همین نظر کارگران واحدهای تولیدی اخراج شدند تا سرمایه داران رغبت بیشتری به خرید کارخانجات داشته باشند. دولت حتی حاضر نشد هزینه دستمزد ناچیز کارگر را در قیمت تمام شده کالا و سود سرمایه داران بررسی کند تا معلوم شود که هزینه نیروی انسانی سهمی در گرانی کالاها نداشته است.

## شمار واقعی بیکاران

شمار کارگرانی که در بی رکود تولید، تعطیلی کارخانجات و یا تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی واحدهای تولیدی برای انتقال به بخش خصوصی اخراج و باز خرید شده اند، روشن نیست. هدف رژیم آن است که آمار واقعی بیکاران در ایام باشد تا دولت در برنامه ریزی و در تبلیغات به دلخواه از آن بهره گیرد. در گزارشهای سالنامه آماری و نوشته های وزارت کار تعریف نیروی فعال، شاغل و بیکار به عمد نادرست، مغشوش و قابل تفسیر انتخاب شده اند. در این سالنامه ها بیکاری فردی اطلاق شده که شغلی ندارد و جو برای کار است. یعنی اگر فرد جو برای کار باشد اما نام او در معدود دفاتر وزارت کار ثبت نشود، بیکار به حساب نمی آید و جزو جمعیت بیکاران کشور نیست. در این گزارش ها برای پالایش دادن شمار جمعیت شاغلین نسبت به بیکاران، مبنای سنی شاغلین کشور ۶ سال و بیشتر تعیین شده است و به این ترتیب ۲/۵ میلیون کودک و نوجوان کارگر قالیباف که در این سطح سنی هستند در ردیف شاغلین قرار گرفته اند حال آن که از نظر وزارت کار و قوانین رسمی رژیم سن اشتغال ۱۵ سال به بالاست و تنها کارگران بالای ۱۵ سال تحت پوشش قانون کار هستند و از حقوق قانونی کار برخوردارند.

بنابراین برای دستیابی به ارقام واقعی بیکاران با پستی داده ها راز و ترفند، دسته بندی و تحلیل کرد، اشکال مختلف بیکاری - بیکاری مطلق، بیکاری پنهان، بیکاری فصلی و اشتغال کاذب نیروی فعال کشور را در نظر گرفت و میلیون ها تن از زنانی را که در گزارش های آماری خارج از ردیف "شاغل و بیکار" در ردیفی به نام "خانه دار" ثبت شده اند، به عنوان بخشی از نیروی فعال کشور که از پرورس تولید به دور افتاده اند بر جمعیت عظیم بیکاران افزود و با "خانه داری" را به عنوان شغل و بخشی از کاری که در خدمات اقتصاد و توسعه اجتماعی است به اخراج جمعی و باز خرید اجباری کارگران است.

خاموشی رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع که از عوامل بانفوذ سرمایه داران و رژیم است درباره اخراج کارگران معتقد است: نیروی انسانی ما زود بر نیاز

بخش خصوصی وسیله ای شد تا وابستگان رژیم و بیروان حکومت اسلامی بر تملک و تصرف خود بر کارخانجات و اموال کشور مشروعیت و رسمیت قانونی بخشند و کارگران را اخراج کنند. کارخانجات یکی پس از دیگری به وابستگان رژیم واگذار شدند بدون آن که تعهدی برای دوام تولید، سرمایه گذاری، حفظ کارگران شاغل و جذب نیروی فعال بیکار ایجاد شود. در نیمه سال ۷۳، در جریان استیضاح نعمت زاده وزیر صنایع صحنه هایی از چگونگی واگذاری واحدهای تولیدی به ولی نعمتان رژیم بر ملا شد. کامران نماینده اصفهان گفت: برادران ابتدا جلوه می دهند که فلان کارخانه زیان ده است و حتی مدیری را منصوب کردند که بعداً آن را به مدیر کارخانه فروختند. فروش کارخانه روغن نباتی شیراز رقمی بالغ بر دو میلیارد و سیصد میلیون تومان بوده که در همان سال این کارخانه یک میلیارد تومان سود داشته است.

وی در ارتسباط با شرکت داروسازی کوثر اظهار کرد: اصولاً وقتی مدیرش را برای فروش جلو می اندازند پشت پرده برادر یکی از مسئولین است و اتفاقاً برادر همین آقا شریک ایشان است و یا شرکت پارس توشه را آقای خرید که مدیر همین جاست. وی افزود: فروش کارخانه نساجی قائم شهر شتابان بوده و ضمناً به عوامل فروش فشار آورده اند و باعث تاسف است که حتی بعضی از متصدیان امر در اثر این فروش و تهدیدها توانسته اند با سرعت حتی در عرض یک روز تمام مراحل قیمت گذاری را بگذرانند. نماینده اصفهان در ادامه سخنان خود اظهار کرد: صنایع شیمیایی سینا در عرض ۳ روز فروخته می شود. با سرعت و مخفیانه نقل و انتقال صورت می گیرد. این همان زمانی است که مجلس فروش سهام را تصویب می کند. شرکت گسترش خدمات فنی به قیمت یک دهم ارزش واقعی به فروش می رود.

علیرغم اعتراض کارگران و مخالفت آنان با انتقال کارخانه ها به نزدیکان رژیم، حراج اموال مملکت همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارشی کارخانه قند قزوین با وجود آن که از سوی کارشناسان دولت ۵ میلیارد تومان به عنوان حداقل قیمت ارزش یابی شده بود، به قیمت ۱ میلیارد تومان به وابستگان رژیم واگذار شد. ۵۰۰ میلیون تومان نقد و ۵۰۰ میلیون تومان به اقساط. همین ۵۰۰ میلیون تومان روی کاغذ مانده و یا واقعا پرداخت شده، معلوم نیست.

انگیزه مخالفت با واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی متفاوت است. بخش عظیمی از کارگران نگران ادامه رکود و امنیت شغلی خود هستند. در هر یک از کارخانجاتی که به بخش خصوصی واگذار شد، با وجود آنکه سودده بودند و با مازاد نیرو مواجه نبودند، بسیاری از کارگران به بهانه کاهش هزینه های تولید مشمول تعدیل نیروی انسانی شدند. تعدیل نیروی انسانی اصطلاح پوششی رژیم برای اخراج جمعی و باز خرید اجباری کارگران است.

خاموشی رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع که از عوامل بانفوذ سرمایه داران و رژیم است درباره اخراج کارگران معتقد است: نیروی انسانی ما زود بر نیاز

علی جعفر بیگی تا چند ماه پیش کارگر شرکت خاور بود. در چارچوب سیاست تعدیل نیروی انسانی، سال گذشته پولی کف دستش گذاشتند و عذرش را خواستند. جعفر بیگی کارگر به جمع میلیونی بیکاران پیوست. از آن روزها در جستجوی کار است. حکایت حال جعفر بیگی در روزنامه رسالت چنین آمده است: بعد از ۱۸ سال سابقه کار اسم خود را در لیست تعدیل شده ها دیدم. هر چه اعتراض و شکایت کردم فایده ای نداشت. مسئولین کارخانه حتی نتوانستند به من بگویند که علت اخراج چیست. به جرات می توانم بگویم تمامی کسانی که از کارخانه ما اخراج شدند همه جزو کارگران ماهرو یا سابقه بودند. آنها بابت ۱۸ سال کارکرد من یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کردند. از شما می پرسم با داشتن زن و ۵ فرزند و زندگی مستاجر من چه باید بکنم؟ با این پول چه می توان کرد؟ آیا بهتر نبود قبل از اخراج ما ماهها فکری برای تامین آینده و آتیه ما می شد؟ الان حدود ۴۵ سال سن دارم و توان خوبی برای کار کردن دارم ولی متأسفانه نتوانستند از این نیرو استفاده کنند و مجبورم کنار خیابان بساط بپهن کنم. جعفر بیگی را از کارخانه به کنار خیابان راندند. به بهانه توسعه و پیشرفت اقتصاد و کاهش هزینه تولید. گویا چند روز دستمزد ماهانه جعفر بیگی مانع توسعه اقتصاد و عامل گرانی کالا بود. جعفر بیگی بیکار شد، اما برای دولت شاغل است. نام او سوارترین به عنوان کسانی که به شغل آزاد دوره گردی مشغولند در دفتر مرکز آمار رژیم در ردیف شاغلین کشور ثبت شده است. برای رژیم همین کافی است، مهم نیست که جعفر بیگی امروز بساطش را کنار کدام خیابان پهن کرده و شب کجا به سر خواهد برد. جعفر بیگی نمونه است. نمونه دهها هزار کارگری که در سال ۷۳ در تهران و سایر مراکز تولیدی از کار بیکار شدند. حاصل شکایت، رفت و آمد و انتظار طولانی آنان در راهرو های وزارت کار برای بازگشت بر سر کار خود همان شد که بر سر کارگران اخراجی سال ۷۲ بنا به اظهار وزیر کار و امور اجتماعی ۹۲ هزار کارگر اخراج شدند. در ۷۲ هزار مورد رای صادره از سوی وزارت کار به نفع کارفرمایان بود.

## حراج اموال کشور

### و اخراج های دسته جمعی

در رشد و گسترش بی سابقه بیکاری و اخراج کارگران عوامل متفاوتی موثر هستند. رکود تولید، ناتوانی تولید داخلی در رقابت با کالا های وارداتی از نظر کمی و کیفی، کمبود ارز و نوسان قیمت آن، مستعمل شدن ماشین آلات و ابزار تولید، عدم سرمایه گذاری برای نوسازی و بازسازی کارخانجات، تعطیلی کارخانجات، فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی بدون تامین پیش شرط های لازم و...

سیاست اقتصادی ضد کارگری و غلط رژیم منشأ اصلی شکل گیری تشدید این عوامل هستند. فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی نمونه ای از اقدامات دولت است که اخراج وسیع کارگران با تجربه بی آمدن بوده است.

فروش واحدهای تولیدی به بخش خصوصی که با اجرای برنامه ۵ ساله نخست آغاز شد به جای آن که با اتکاب بر مشارکت و همکاری کارگران به عامل اشتغال زا بی و رونق تولید بدل شود، به اخراج بخش کثیری از کارگران منجر شد و در عمل واگذاری کارخانجات دولتی به



# جنبش سندیکائی در دوران دگرگونی های اجتماعی

پروفیسور والتر مولر - پنج استاد علوم اجتماعی دانشگاه پادربورن آلمان

قسمت اول

آنان از مزدبگیران امروز ۴۷ درصد است (در آلمان بین موقعیت حقوقی کارمندان و ما موران دولت تفاوت وجود دارد، و از این رو کارمندان رسمی یا ما موران دولت را در آمار کارمندان منظور نمی کنند - کار).

گروه های محوری کارگران "یقه آبی" اند که سنت گرایان، سمت سیاست خود را به سوی آنها تنظیم می کنند. شمار روبه افزایش کارورزان در مناسبات شغلی بی ثبات، برای سنت گرایان بیشتر حکم دستاویز تبلیغی در سناریوهای بحران و فقر را دارند تا ذخیره تشکیلاتی. در مقابل، تجدد طلبان تا کید می کنند سندیکاها تنها به شرطی آینده دارند که بیش از پیش برای جلب گروه های جدیدی از کارورزان و به ویژه کارمندان بکوشند، گروه هایی که تا کنون متشکل کردن آنها دشوار بوده است. این امر مستلزم آن است که سندیکاها نه تنها شیوه های ابتکاری تری در مورد خطاب قرار دادن و جذب مردم به کار گیرند، بلکه به تلاش های سترگی نیز برای توجیه به منافع کارورزانی که ترکیب آنها پیوسته متنوع ترمی شود، بپردازند.

کارورزان مدرن و اقلیت جدید کارمندان، "سندیکاران مادرزاد" نیستند. برای آنها، برخلاف نسل های قبلی کارگران صنعتی، به هیچ وجه امری بدیهی نیست که با شروع به کار، عضویت اتحادیه به نیت شوند. نه محیط اجتماعی زندگی شان آنها را وادار به عضویت در سندیکا می کند و نه روابط شغلی شان آنقدر مشقت بار است که ناچار از پیوستن به اتحادیه باشند. اگر چه اکثریت آنها، سندیکاران سازمان های مهمی برای سامان دادن به زندگی کاری و اجتماعی می دانند، اما بسیاری از آنان عضویت شخص خود را در سندیکا کاملاً اجتناب پذیر ارزیابی می کنند. آنها حس می کنند سندیکاها، نهاد های اجتماعی نسبتاً پایدار هستند که بدون وجود خودشان نیز کار آنها ادامه دارد، تقریباً مانند اداره کار یا بیمه درمانی.

IV

درباره نحوه جذب کارورزان مدرن به سندیکاها، سنت گرایان و تجدد طلبان تصورات متفاوتی دارند. سنت گرایان، برای این مسئله راه حلی کمابیش کلاسیک دارند: آنها انتظار دارند در روند "مدرنیزاسیون" رادیکال بازار، مسئله همیشگی اجتماعی احیا شود، یعنی وقوع روندهای کاهش سطح زندگی و نیز افزایش تعرض ها به دولت رفاه اجتماعی و نقض استقلال در انعقاد قرارداد های جمعی (در آلمان، دولت حق دخالت در کشمکش کارفرمایان و سندیکاها بر سر شرایط قرارداد های جمعی را ندارد - کار). طبق محاسبات سنت گرایان، این روندها بالاخره گروه های جدید کارورزان نیز متحمل سختی های اجتماعی خواهند شد که اعتراض آنها را بر خواهد انگیزد. آنگاه تنها وظیفه ای که سندیکاها خواهند داشت این است که این پتانسیل اعتراضی را در یابند و آن را منسجم کنند.

اما تجدد طلبان می خواهند که به تحولات در نظام ارزش های اجتماعی و به روندهای فردی تر شدن کار و رشد شخصیت هادان، توجه شود. آنها سندیکاها را فرامی خوانند که به "سازمان مباحثه" فرارویند که دارای فرهنگ مشارکت "جدیدی" است. تجدد طلبان، علاوه بر این خواهان گسترش وظایف و اهداف سندیکایی به عرصه های اکولوژی و فرهنگ اند. آنها همچنین می خواهند حضور سندیکاها را در محیط های زندگی غیر کاری، به ویژه در محلات مسکونی نیز جابجا کنند. طرح هایی از این دست را می توان در تحقیقی که توسط پژوهشگران وابسته به سندیکاها و استادان عضو بنیاد هانس بوکلر (بنیادی وابسته به اتحادیه سندیکا های آلمان - Hans-Boeckler-Stiftung) تهیه شده و تحت عنوان "درورای مصوبات - سندیکاها به مشابه کارگاه آینده سازان" در سازمان های سندیکایی مورد استقبال وسیعی قرار گرفته است، باز یافت. در گردهمایی های نیز که تحت عنوان "کنگره درباره آینده آسوی سندیکای کارکنان صنایع فلز بر گزار شد، چنین طرح هایی ارائه شد. چنین به نظر من می رسد که بسیاری از این انتظارات، هر قدر هم که جالب به نظر آیند، متضمن خطر فراتر رفتن از امکانات فعالیت سندیکاها هستند و توانایی های سندیکاها و منابع بسیج شده توسط آنها را بیش از آنچه هست می پندارند. سندیکاها در وهله اول، طرف مذاکره در بازار کارند. اینکه آنها تا چه حد بتوانند توانایی ها و نیروهای برای اهداف نامبرده بسیج کنند، هنوز باید تجربه شود. این امر اقبال آزر چیزی می توان در مسائل مربوط به محیط زیست و با حق مشارکت انتظار داشت.

"شاهراه" به کرسی نشان دادن اهداف سندیکایی و اهرم تعیین کننده شکل سندیکایی، کماکان سیاست سندیکاها در عرصه قرارداد های جمعی است. از این رو ممکن است واقع بینانه تر باشد که کوشش شود کارورزان

گذرا از سرمایه داری به نظام اجتماعی دیگری وفادارند، حتی اگر این آرمان ها در عمل روزمره سیاسی، دیگر بازتاب چندانی نداشته باشد. اما تجدد طلبان، می خواهند مسائل اجتماعی، دمکراتیک و اکولوژیک را در چارچوب سرمایه داری، ولو سرمایه داری تحت کنترل اجتماعی، حل کنند.

III

مهم ترین گروه اجتماعی که سنت گرایان به آن رجعت می کنند، عبارتند از کارورزان محیط های سنتی کارگری که البته برخی از آنها خود فاقد سنت مبارزاتی اند، کارگران صنایع قدمت دار و شاغلان گروه های کم درآمد بخش دولتی و خدمات. بسیاری از اینان، سندیکاران وفادار و بعضاً "مادرزاد" دارای پیوند های نیرومند هنجار گذار یا تشکیلات اند. تجدد طلبان، به سوی کارورزان مدرن و متخصص صنایع نوین، بخش های مدرنیزه شده تولید انبوه و نیز بخش های پویای خدمات، سمت گیری دارند. این گروه ها را بدون مخاطب قرار دادن به طور خاص و ایجاد "انگیزه های دستچین شده"، به زحمت می توان جذب اتحادیه ها کرد.

مشکل سنت گرایان این است که به گروه هایی از کارورزان تکیه می کنند که در گذشته ستون فقرات و نیروی مبارزاتی سندیکاها را تشکیل می دادند، اما اکنون خطر نزول کمی و سقوط اجتماعی آنها را تهدید می کند. برای تجدد طلبان، مشکل این است که اگر چه به سوی گروه های روبه گسترش کارورزان سمت گیری دارند، گروه هایی که در نظام اجتماعی کار، در مواضع مهم و بعضاً استراتژیک قرار گرفته اند، اما همین گروه ها با سندیکاها فاصله دارند. تجدد طلبان می خواهند به طور پیشگیرانه و به نمایندگی از سوی گروه هایی برای دفاع از منافع آنها سیاست تعیین کنند که هنوز کار جذب آنها به سندیکا در پیش است.



این یک سوء تفاهم رایج است که سندیکاها توسط "فقیرترین فقرا" تأسیس شده اند، یعنی اقشاری از کارگران که بیش از همه استثمار می شدند. عکس این تصور صادق است: نخستین سازمان های سندیکایی را به ویژه اقشاری بنیاد نهادند که در زمره به اصطلاح "اشرافیت" کارگری "محسوب می شدند و اغلب آنها دارای سابقه صنعت گری بودند. آنها برخلاف اقشار فقیر پروتاریا، دارای امکانات لازم برای تأسیس تشکیلات بودند: پول و دانش تشکیلاتی. تجربه تاریخی نشان می دهد سندیکاها به امروزه سازماندهی نمایندگی گروه هایی اکتفا کنند که به لحاظ اجتماعی از محرومیت ویژه رنج می برند، به زودی میدان های مانور عمل خود را از دست خواهند داد. تجدد طلبان دریافته اند که سندیکاها تنها زمانی خواهند توانست در اقتصاد و جامعه، نقشی مورد شناسایی عمومی و شایسته ایفا کنند که نمایندگی کارورزان بخش های پویا و روبه گسترش اقتصاد، یعنی کارگران فنی در شاخه های تکنولوژی پیشرفته، تکنیسین ها و مهندسی، کارشناسان آموزش دیده و کارمندان متخصص رانیز بر عهده گیرند. اما تجدد طلبان هنوز "زنان های بدون ارش" اند. با اینکه دیگر کارگران در قیاس با کارمندان در اقلیت اند (در سال ۱۹۹۰، آلمان غربی اندکی کمتر از ۱۳ میلیون کارمند و ۱۱ میلیون کارگر وجود داشت)، هنوز حدود دو سوم اعضای اتحادیه سندیکا های آلمان را تشکیل می دهند. ساختار سندیکاها در آغاز دهه ۹۰ هفتاد و هشتاد و نهم، زبانی با ترکیب شاغلین در آغاز دهه ۵۰، دارد، هنگامی که سهم کارمندان از کل مزدبگیران تنها ۲۳ درصد بود (این رقم در سال ۱۹۹۰ دقیقاً برابر بود با سهم کارمندان از اعضای اتحادیه سندیکا های آلمان، در حالی که سهم

فولاد در سال ۱۹۹۳ است. با این اوصاف به نظر می رسد برای سیاست اجتماعی و صنعتی سندیکایی هنوز وظایف کافی وجود دارد. به ویژه اقلیت "بازنده" در روند برق آسای مدرنیزاسیون و تعدیل اقتصادی که به خصوص زنان را شامل می شوند، نیاز به دفاع از منافعشان توسط سندیکاها دارند.

اما اگر سندیکاها بخواهند خود را به این وظایف قانع کنند، این ارزیابی رالف دارندورف (Dahrendorf) استاد آلمانی مدرسه اقتصاد لندن و از تئوریسین های برجسته لیبرالیسم - کار) درست از آب در خواهد آمد که سندیکاها دیگر "تشکل های پیشرو" گروه های آینده دار و متکی به نفس، بلکه "سازمان های دفاع از گروه های روبه افول" اند. دارندورف این تیزراده سال پیش عنوان کرد. جهان امروز، دیگر دنیای آن زمان نیست. پس از فروپاشی نظام های کمونیستی و جهانی شدن فزاینده مناسبات اقتصادی، تقسیم کار جهانی و نظام اقتصادی جهانی جدیدی در حال پیدایش است که مسائلی به کلی نوین مطرح می کند. این شرایط جدید، در برابر سندیکاها وظایفی بنیادین قرار می دهد. این وظایف، کارایی الگوهای محوری تحلیل های اجتماعی و سیاسی ای را که سندیکاها تا کنون از آن پیروی می کردند، از میان بر می دارد.

بحث درباره "تولید لاغر" (Lean Production)، الگوهای جدید تولید و تعدیل در مقیاس کل سیستم، "منشور اجتماعی اروپا" و "آلمان به مثابه محل سرمایه گذاری اقتصادی" که نمونه هایی از موضوعات مهم نوین اند، مستلزم تحلیل ها و نسخه های جدید اجتماعی به جای تحلیل ها و نسخه های کهنه اند. حتی سمت گیری عمومی به سوی سوسیالیسم دمکراتیک، اگر شامل طراحی یک نظم اجتماعی دیگر بوده باشد، امروز مورد بحث است.

اول ماه مه فرامی رسد. این روز در سراسر جهان مناسبتی است برای بازبینی عملکرد و چشم انداز جنبش کارگری و سندیکایی. به ویژه در شرایط دگرگون شده پس از فروپاشی سوسیالیسم واقعاً موجود، آگاهی از ارزیابی صاحب نظران این جنبش، به ویژه در کشورهایی که در آنها جنبش اتحادیه ای سابقه ای طولانی دارد، حائز اهمیت است. نویسنده مقاله حاضر، از کارشناسان مسائل جنبش سندیکایی در آلمان است. این کشور هم به لحاظ تجارب تاریخی و هم از نظر ابعاد و گستره نفوذ جنبش اتحادیه ای، هنوز نمونه ای برجسته از فعالیت سندیکایی در شرایط سرمایه داری محسوب می شود. مولر - پنج در این مقاله به توضیح و کنش سندیکا های آلمان درقبال دگرگونی های سیاسی و اقتصادی ده سال اخیر می پردازد. وی پیرو این نظریه است که بقای جنبش سندیکایی بسته به مدرنیزه کردن آن است، و اعتقاد دارد که تلاش برای یافتن عرصه های نو برای فعالیت سندیکاها از طریق تشدید رویارویی کارورمایان، ره به جایی نخواهد برد. بدیهی است که درج این مقاله الزاماً به معنای تأیید همه مواضع نگارنده آن نیست و صرفاً به منظور آشنایی با شرایط جدید فعالیت سندیکایی در اروپا صورت می گیرد.

موضع چپ درقبال سندیکاها دوگانه است. از نظر چپ، سندیکاها از یک سونیرویی محافظه کار و تدافعی محسوب می شوند که در نهادها و مکانیزم های نظام صنعتی ادغام شده اند و از منافع صنعتی اقشار سنتی کارورزان به نمایندگی از آنها دفاع می کنند. از سوی دیگر، سندیکاها به مثابه وارثان تاریخی جنبش کارگری همواره حاملان سیاست اصلاح طلبانه و آرمان های اجتماعی تحول طلبانه چپ به حساب آمده اند. سندیکاها در برخورد به جنبش های نوین اجتماعی، به ویژه جنبش آلترناتیو (نامی که در آلمان به بخشی از نهضت نوین چپ اطلاق می شود - کار)، جنبش زنان و نهضت اکولوژیک، آموخته اند که سمت گیری های سنتی تولید گرا و پدربزرگانه خود را حداقل تخفیف بخشند. و اکنون با باطل شدن سحر سوسیالیسم به مثابه استراتژی گذار اجتماعی، یک تکیه گاه امید نولولویک دیگر سندیکاها نیز فروریخته است. ابعاد به زیر سؤال رفتن فعلی کارکرد سیاسی و الگوهای تحلیل سندیکاها، در تاریخ بی سابقه است.

محور این مقاله، چگونگی پاسخ سندیکاها به وظایف جدید و سمت گیری های نوین سیاست تشکیلاتی و مبارزه صنعتی سندیکاها است.

عزیمت گاه بررسی های من، وظایف جدیدی است که بر اثر دگرگونی های سیاسی و اقتصادی دهه گذشته در برابر سندیکاها قرار گرفته اند و نیز دگرگونی های اصلی در سندیکایی در پرداختن به این وظایف. با توجه به این دو گرایش، به بحث درباره مسائل مطرح و در رابطه بین اعضا و تشکیلات و سپس به بررسی چشم انداز آینده سندیکاها در سه عرصه اصلی فعالیت سندیکایی - سیاست آنها در بستن قرارداد های جمعی کار، سیاست آنها درقبال مسائل کلی صنایع و سیاست آنها در مورد مسائل درونی کارخانه ها و مؤسسات - خواهم پرداخت. آنگاه خواهم گویشید به این پرسش پاسخ دهم که سندیکاها تا چه حد خواهند توانست کماکان یک "قطعه امید" سیاست چپ باقی بمانند.

II

سندیکاها، ثمره روند صنعتی شدن در قرن نوزدهم اند. اگر چه به ویژه در انگلیس، ریشه های سندیکاها قدیمی ترند، اما ساختارهای تشکیلاتی و سیاست تشکیلاتی سندیکایی، تحت تأثیر عمیق مسائل و وظایف دوره اولیه و اوج صنعتی شدن قرار گرفت. سندیکاها به عنوان تشکل های حفظ منافع و دفاع دوبرابر کالا شدن کامل نیروی کار، و به مثابه مکانیزم های دفع مصائب اجتماعی ناشی از فشار سرمایه داران ایجاد شدند و از عهده این آزمون به خوبی برآمدند. آنها در طول تاریخ خود وضعیت اجتماعی مزدبگیران را مستقیماً از طریق قرارداد های جمعی، و غیر مستقیم از طریق مشارکتشان در ایجاد دولت رفاه اجتماعی، تا حد زیادی بهبود بخشیده اند. از این واقعیت ممکن است چنین نتیجه گرفته شود که شاید سندیکاها با هر موفقیتشان به سمت بی نیاز کردن جامعه به وجود خودشان گام برمی دارند. مگر کلاسیکایی سندیکاها از طریق سیستم های نهادی شده تا مین اجتماعی، از آینده ای امن برخوردارند و درآمدشان بسیار بالاتر از حد اقل مورد نیاز زندگی است. پس امروز دیگر کارورزان چه نیازی به سندیکاها دارند؟ می دانم که نمی توان این ایراد را نادیده گرفت که در جامعه مرفه مانیز کماکان مشاغل با مزد اندک، بیکاری گسترده و بی عدالتی اجتماعی وجود دارد. به ویژه در ایالات جدید آلمان (منظور، آلمان شرقی سابق است - کار) به لحاظ اجتماعی موقعیت انفجاری حادی پیش آمده که گواه آن مبارزه اعتصابی در صنایع فلزی و صنایع

**"هموطن"** عنوان فصلنامه‌ای است که از آغاز سال ۱۳۷۳ توسط سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مونیخ بعنوان نشریه روابط عمومی برای جنوب آلمان چاپ و بصورت مجانی برای هموطنان فرستاده می‌شود. این نشریه چنان منادی کنار گذاشتن تفرقه و دورهم جمع شدن ایرانیان خارج از کشور است تو گویی که همین حکومت و کارگزارانش نبوده‌اند که با سیاستهای خانمان براندازشان باعث تفرقه و جدایی شده و انبوه هموطنان تنها بخاطر نجات جانشان بالا جبار به خارج از کشور پناه برده‌اند. چیزی که هنوز هم کم و بیش ادامه دارد.

نشریه "هموطن!" از طرف کسانی چاپ و پخش می‌شود که وطن را تبدیل به بیت المال شخصی خود نموده و به ورشکستگی کشانیده و بجای ثروت آفرینی رونق عامه عمومی، اگر وضع به همین منوال پیش برود رقیب تازه‌ای در عرصه فقر برای کنسولگری‌ها خواهد ساخت. هموطنی که تا زمانی که در داخل کشور است دارای هیچ ارزشی نبوده و جز فشار و تهدید زندان و شکنجه و اعدام چیز دیگری در انتظارش نیست تا اینکه همین هموطن آواره اینجا و آنجا بشود و مورد لطف و عنایت نمایندگان آن رژیم قرار گرفته که برایش نشریه "هموطن" چاپ

## "هموطن!؟"

کرده و از او می‌خواهند نه تنها خواننده این نشریه شده بلکه حتی آنرا به سایر هموطنان نیز توصیه نماید. این نشریه "هموطن" هموطنان را تشویق به ایجاد انجمن و کانون می‌نماید و برایشان دعوتنامه می‌فرستد تا در چنین تشکلهای از پیش ساخته شده‌ای شرکت نمایند در صورتی که اگر همین هموطن که مورد نظر سرکنسولگری میباشد به خودش اجازه بدهد در داخل کشور انجمن و یا کانونی را ایجاد نماید و یا از آن اسمی ببرد جز اذیت و آزار و زندان و شلاق چیز دیگری نصیبش نخواهد شد.

"هموطن" بجای آنکه منعکس کننده روابط عمومی سرکنسولگری باشد سعی می‌نماید تا از طریق درج مسائل و مقالات فرهنگی خود را قاطی فعالیت‌های فرهنگی هموطنان خارج از کشور نموده و نقش دایه مهربانتر از مادر را بازی کند. اما کیست که نداند که اینان و همپالکی هاشان چگونه عرصه را به همه آن هموطنانی که در داخل کشور دست اندر کار مسائل فرهنگی هستند، هر روز به بهانه‌ای تنگتر و تنگتر میکنند و آنها سهمی از فرهنگ دوستی و فرهنگ چنان به اوج خود می‌رسد که از

پروری اینان نمیبیند و همه اش نصیب ما هموطنان خارج از کشور میشود. این نشریه چنان از دست آوردها و موفقیت‌های هموطنان در خارج از کشور گزارش میدهد که گویی این موفقیت‌ها نتیجه پشتیبانی و حمایت این رژیم و یا نمایندگی‌هایش در خارج میباشد.

"هموطن" اقدام به درج مقالاتی از مجلات فرهنگی داخل کشور مینماید که حکومت مطلوبش به اشکال مختلف سعی در تعطیل کردنشان را دارد و صحبت از فرهنگ ملی میکند و میداند که ما هم میدانیم که منظورشان همانا فرهنگ اسلامی و مساجد است. مضحکترین کار این "هموطن" معرفی کتاب آلمانی اشعار فروغ فرخزاد بنام "آرزوها" میباشد. اشعاری که برای هموطنان داخل ممنوع شده و توسط نمایندگان همان رژیم به هموطنان خارج از کشور معرفی میشوند. غافل از اینکه در صفحه اول همین کتاب نوشته شده که اشعار فروغ در ایران کنونی ممنوع هستند. در آخرین شماره این نشریه با آن نقاب فرهنگی مضحکش وقاحت چنان به اوج خود می‌رسد که از

سعیدی سیرجانی بعنوان نویسنده و شاعر و پژوهشگر نامدار معاصر اسم برده و بدون اینکه ذکر از زندان و شکنجه‌ای که منتهی به مرگ او شده بکند، فقدان وی را به جامعه فرهنگ و ادب تسلیت گفته و اشک تمساح ریخته و کوچکترین اشاره‌ای هم به اینکه چرا کتابهای این نویسنده نامدار در کشورش ممنوع میباشد، نمیکند.

شاید هم نمایندگی رژیم در مونیخ فکر میکند که با تعدادی هموطن کرو کور سروکار دارد که خوشبختانه چنین نیست و یا شاید هم اقامت در خارج از کشور اینان باعث شده تا قوه تخیلشان تقویت بشود و فکر کنند که با شیوه‌هایی اینچنینی میتوانند چهره کریمه خود را براحتی بزک کنند.

بهترین کار اینست که جلوی هزینه اضافی را گرفته و درد کان "هموطن" را ببندد که حنایش رنگی نداشته و این "هموطن" تنها موجب تمسخرتان خواهد بود. احتمالش هم خیلی ضعیف است که با درج اشعار بر سرشور آنچنانی آنهم از طرف شما در وصف وطن بتوانید هموطنان را تشویق به بازگشت نماید چرا که همه میدانیم که مانع اصلی بازگشت هموطنان به کشور همان حکومتی است که شماها نمایندگیش میکنید. ع. بهار

## پاسخ به نامه‌ها

خواننده گرامی! - عامری قطعه شعری برای ما فرستاده و نوشته‌اند: "خیلی فکر کردم که آیا در نشریه کارجایی برای شعر من هست یا نه؟ ولی به نتیجه قطعی نرسیدم. ولی فکر کردم که امکان تجربه را که از من نگرفته‌اند، پس فرستادم... و این نیز قطعه شعرا - عامری هنوز گرامی دست خزه برگرده آب سر می‌خورد که کولاک به دیواره سنگیش کوفت.

با خیال گرمای خزه بیال موج ایستاده‌ام  
خواب خواب می‌بینم  
نه دریا را هم  
دوست ندارم.

بوی خورگرفته جوی  
بر در غربت دریا می‌گوید  
از شکاف سنگی دیوار  
سایه‌ای جوی وار  
در منظر چشم ترم می‌لغزد.  
نه دریا را هم  
برودر باید گفت.

دوست گرامی، بهرنگ (آلمان) نوشته‌اند: "در شماره‌های قبلی کار چندین بار با لغت شوکران برخورد داشتیم. بدندانستم برای آشنایی بیشتر خوانندگان شما مطلب زیر را بفرستم. بهرنگ سپس به نقل از فرهنگ فارسی عمید آورده است: "شوکران گیاهی است شبیه به جعفری، دارای شاخه‌های چتری، گل‌های سفید مانند سفید، ساقه‌هایش بدبو یا لکه‌های سرخ رنگ، برگ‌هایش سبز تیره، ریشه آن سبزه‌شبه به جعفری، ماده سمی شدیدی دارد و اگر کسی از آن بخورد هلاک می‌شود. بهرنگ خود افزوده است: در دوران باستان به عنوان ماده‌ای سمی برای اعدام یا کشتن گناهکاران (۱) استفاده می‌شد. معروفترین نمونه آن نوشیدن "جام شوکران" توسط سقراط در ۳۹۹ سال پیش از میلاد مسیح می‌باشد. در ایران کمتر کسی است که این گیاه را مخصوصاً از زمان چاپ "کاشفان فروتن شوکران" شناسد!

## نامه‌ها و مقالات رسیده

درباره بیژن جزنی - علی‌ازها مبورگ (آلمان)  
در نقد دو مقاله مندرج در کار - علی‌ازها مبورگ (آلمان)  
کشورهای بیگانه جاسوسی پناهندگان را می‌کنند - علی‌اکبر شعری به نام رفیق - یوسف صفری  
و برتسیم از سکوت - ا. شفق  
خون گیلان مرگبار (ترجمه از مجله آلمانی فوکوس) - محمد کلون رپ: فاجعه‌ای در راه است و چندان مطلب کوتاه - رضا ازها نو فر (آلمان)

باتشکر از این همکاران گرامی، سعی می‌کنیم مطالب ارسالی آنان را به تدریج مورد استفاده قرار دهیم. کاربارد دیگر از خوانندگان گانی که برای ما نامه یا مقاله می‌نویسند، درخواست می‌کنند که برای مطالب خود عنوان و امضا انتخاب کنند و نامه‌های خود را بر یک طرف کاغذ A4 بنویسند.

مقابل مردم به عقب بردارد. اما تجربه ۱۶ ساله نشان داده است این رژیم بد برای هیچ دگراندیشی نیست و این رژیم هیچگونه اندیشه نو و تفکر دیگری را نمی‌پذیرد که مملکت از این منجلاب اقتصادی و اجتماعی، از استبداد سیاسی و مذهبی نجات پیدا کند. سئوال این است که: آیا فقط مشکلات اقتصادی باید مردم ما را به حرکت درآورد؟ یعنی برای ملت

## مردم و تجربه انقلاب

معمول بر این است که وقتی تحولات تعیین کننده که همانا در این زمان سرنگونی رژیم است فراهم شده است اما بعید است تحولاتی صورت گیرد مادامی که هیچ نیروی آلترناتیو موثری در داخل شکل نگرفته. بحران داخل به حدی حاد است که رژیم حتی خودش از مدت‌ها پیش شروع به ایجاد نهادها می‌کرده که در آینده بتواند با طرح آنها آن نیروی آلترناتیو را که بنیادهای رژیم را مورد تهدید قرار ندهد روی کار آورد. آیا وضعیت کنونی نیروهای سیاسی عمر رژیم بحران زده آخوند ها را طولانی تر نخواهد کرد؟

حوادثی که بعد از کنگره قبلی سازمان در جهان گذشته و می‌گذرد بسیار شتاب آلود است و برای یک انسان حقیقتاً انقلابی یا اگر نخواسته باشیم با عنوان کردن این کلمه کابوس آور برای بعضی از رفقا تشویش ایجاد کرده باشیم برای یک انسان ترقی خواه بسیار آموزنده بوده و هست. به هر حال قضیه این است که حوادث آن طور که رفقای لیبرال ما می‌خواستند پیش نرفته و پیش نمی‌رود بنا بر این کنگره بعدی باید مکانی باشد که بازتاب وقایع جاری را در مصوبات تازه خود ارائه دهد و الا غیر از این سازمان به زاننده‌ای برای نیروهای ترقی خواه تبدیل خواهد شد و مهره‌ای هم برای بازی در اختیار زده و بند چپ‌های حرفه‌ای. صادق - کارگر - تروژ

۱- انقلاب بهمین ۵۷  
۲- در قیام ملی دکتر مصدق همان مردم امروز زنده باد مصدق گفتند و فردای آن روز زنده باد شاه و تمام آن علائق ملی و میهن دوستانه رانان دیده گرفتند.  
۳- انقلاب بهمین ۵۷: باز همین مردم پیگیری در حفظ دستاوردهای انقلاب نشان ندادند. تلاش و تبلیغ نیروهای سیاسی به ارتقا درک مردم از آزادی، عدالت، کار، هنر و نیز اعتماد به همدیگر در زندگی جاری کرد. از تحلیل‌های سیاسی نیروها و سازمان‌ها برمی‌آید که: رژیم جمهوری اسلامی با فرم و شاید برخی اصلاحات گام‌هایی در

## مشکل در کجاست

محافظه کارانه تری از این احزاب اتخاذ می‌کند.

کنگره سازمان (به عقیده همین گروه هم آبی سراسری نمایندگان سازمان‌های خارج کشور سازمان) که یک سال قبل از انتشار گزارش سالیانه فعالیت شورای مرکزی تشکیل شد از جمله مصوباتی که به تصویب رساند، مصوبه‌ای در مورد جهان بینی سازمان یعنی سوسیالیسم بود که علیرغم مخالفت لیبرال‌ها و ناسیونالیست‌های نو، کلمه سوسیالیسم بدون هرگونه پسوندی مورد تصویب قرار گرفت اما کمتر موردی در نشریه کار انعکاس می‌یابد که بویی از سوسیالیسم از آن به مشام برسد. از دیگر مصوبات مهم مصوبه‌ای در رابطه با تشکیلات داخل کشور بود که پس از بحث‌های فراوان به تصویب اکثریت شرکت کنندگان رسید به این مورد هم هیچ گونه اشاره‌ای نه در نشریه کار و نه در گزارش سالیانه شورا نگردیده و به عقیده من کلید عدم موفقیت سازمان در حال حاضر در دو چیز است اول نداشتن پایه فکری کنگرت دوم عدم اتکا و اعتقاد به تشکیلات وسیع به خصوص در داخل کشور. تا وقتی که این دو تقیصه رفع نشده باشد تحولی در کارها رخ نخواهد داد. حوادث و رویدادهای کشور حکایت از آن دارد که به تعبیر من

گزارش سالیانه شورای مرکزی سازمان چند وقت پیش در اختیار اعضاء سازمان قرار گرفت اما گزارش نشان دهنده هیچ گونه پیشرفتی که چشم‌گیر باشد نیست. سیاست اصلی سازمان که همانا ایجاد جبهه آلترناتیو از نیروهای مختلف الگرایش است نتیجه چشم‌گیری در بر نداشته نیروهای تازه‌ای به طرف سازمان جلب نشده‌اند. هیچ تحولی در ارتباط با داخل کشور ایجاد نشده. علت عدم موفقیت سازمان در چیست؟ تغییراتی که از چند سال پیش در جهان رخ داده به خصوص تغییرات در کشورهای سوسیالیستی سابق نیروهای چپ ایران را همچون دیگر نیروها در کشورهای دیگر متحول کرده است اما رشد تحول چه از جنبه‌های مثبت آن و چه از جنبه‌های منفی‌اش تاثیریکسانی بر همه نیروها نگذاشته.

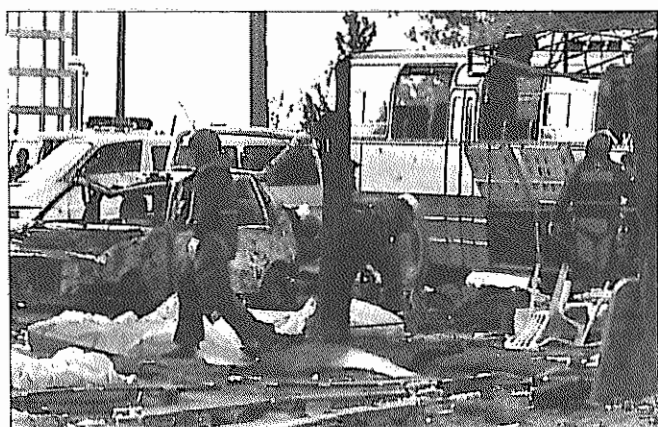
یکی از نیروهایی که در ایران شاید بیشتر از دیگر نیروها در این چند ساله تحول یافته سازمان اکثریت است. حقیقت این است که اکثریت از یک سازمان چپ به یک سازمان لیبرال تغییر موضع داده است. برای مواضع کنونی سازمان و مقایسه آن با موانع احزاب سوسیال دمکرات اروپایی هم نشان می‌دهد که سازمان اکثریت حتی از زده این احزاب هم پایین‌تر آمده و مواضع

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بایه‌های اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه - ۴۵ مارک</p> <p>یکسال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه - ۵۲ مارک</p> <p>یکسال - ۱۰۴ مارک</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>دارنده حساب: I.G. e.v.</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد پانک: 37050198</p> <p>Verleger: I.G.e.v.</p> <p>I.G. e.v. آدرس:</p> <p>Postfach 260268</p> <p>50515 Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>Stadtparkasse Köln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فکس: 0049 _ 221 _ 3318290</p>
--	--	---	---



هفته گذشته حکومت خودمختار فلسطینی در تلاش برای دستیابی به نوعی آتش بس با بنیاد گرایان، حماس را فراخواند از حمله به اهداف اسرائیلی در مناطق خودمختار چشم پوشی کند. مقامات فلسطینی اعلام کردند اگر حماس چنین تعهدی نکند، دیگر اصراری بر مصادره سلاح های غیرمجاز حماس نخواهند داشت. اقدام دیگر مقامات فلسطینی برای جلب نظر مساعد حماس، آزادی حدود ۱۰۰ نفر از دستگیرشدگان روزهای پس از انفجارهای ۲۰ فروردین بود. در عین حال، سه نفر دیگر از دستگیرشدگان برای نخستین بار پس از آغاز کار دادگاه امنیتی فلسطین از سوی این دادگاه به حبس های طویل المدت محکوم شدند.

### مشی دو گانه عرفات در برابر حماس



اسرائیل قطع شود. وی خواهد آزادی همه زندانیان بنیادگرا، انحلال دادگاه امنیتی و لغو احکام آن شد و افزود حماس، توافق های مقامات حکومت خودمختار با اسرائیل را "جنایت در حق مردم فلسطین" می داند و آنها را به رسمیت نخواهد شناخت. به گفته این سخنگو، تصمیم گیری درباره مشی بنیاد گرایان در حال بر عهده شاخه نظامی حماس یعنی گروه

حماس مدعی است با مقامات حکومت خودمختار فلسطینی هیچ تماس رسمی نداشته است. یک سخنگوی حماس در غزه در مصاحبه با نشریه النهار چاب بیت المقدس شرقی گفت حماس تنها با الفتح در گفتگو بوده است تا به تدارک دیدارهای رسمی برنمیرد. این سخنگو افزود موضوع این مذاکرات، این نیست که حملات به

### اخبار کوتاه از سراسر جهان

#### آتش بس دو هفته ای بین نیروهای کرد عراقی

پس از سه ماه درگیری خونین بین حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی، در روز ۲۰ فروردین بارزانی و طالبانی در بیانیه های جداگانه ای از نیروهای خود خواستند به مدت دو هفته از گشودن آتش به روی یکدیگر خودداری کنند و در مواضع فعلی خود بمانند. مدت این آتش بس هفته گذشته منقضی شد اما هنوز خبری از تمدید آن یا از سرگیری زد و خورد ها نرسیده است.

#### تعویق گفتگوهای صلح تاجیکستان

هفته گذشته گفتگوهای تدارکاتی چهارمین دور مذاکرات صلح بین دولت تاجیکستان و نیروهای اپوزیسیون این کشور که روز ۳۰ فروردین آغاز شده بود، یک روز بعد به علت اظهارات تهدید آمیز کوزیرف وزیر خارجه روسیه به تعویق افتاد. کوزیرف، مخالفان دولت تاجیکستان را تهدید کرده بود در صورت ادامه تحولات نظامی آنها، از نیروهای روسیه پاسخی سخت دریافت خواهند کرد. در گفتگوهای هفته گذشته که به میانجیگری سازمان ملل برگزار شد، نماینده دبیر کل این سازمان و از سوی دولت دوشنبه، معاون نخست وزیر تاجیکستان حضور داشتند. قزاقستان اعلام کرده است حاضر است میزبان دور چهارم مذاکرات صلح تاجیکستان باشد. این مذاکرات، قرار بود سال گذشته در مسکو برگزار شود اما به علت خودداری نمایندگان اپوزیسیون تاجیکستان از حضور در مسکو، لغو گردید.

#### سخنرانی ماندلا در کنگره حزب کمونیست

نلسون ماندلا رئیس جمهوری آفریقای جنوبی با حضور در کنگره حزب کمونیست این کشور، بر پیوندهای مستحکم بین کنگره ملی آفریقا (ANC) و حزب کمونیست تأکید کرد و گفت این پیوندها با خون شهدا نوشته شده است. حزب کمونیست آفریقای جنوبی از هنگام لغو ممنوعیت چهل ساله آن در سال ۱۹۹۰، به میزان گسترده ای بر نفوذ خود افزوده است. در حالی که ۵ سال پیش، شمار اعضای حزب ۲ هزار نفر بود، اکنون این حزب ۷۵ هزار عضو دارد. ۵۰ نفر از ۲۵۲ نماینده ANC در پارلمان، کمونیست اند. از وزرای کابینه و نیز نخست وزیران ایالات ۹ گانه نیز تعدادی در حزب کمونیست عضویت دارند.

#### تصرف آخرین پایگاه عمده چچنی ها

پس از یک هفته نبرد سخت، نیروهای ارتش روسیه آخرین پایگاه عمده نیروهای جدایی خواه چچن را در روستای باغورت تصرف کردند. ژنرال کولیکوف فرمانده نیروهای روسیه در چچن اعلام کرد در این نبرد، حدود ۴۰۰ نفر از نیروهای چچنی و ۱۴ نظامی روس کشته شدند. چچنی ها در یک آشیانه موشکی سابق ارتش شوروی سنگر گرفته بودند. این محل توسط نیروی هوایی روسیه با بمب های هدایت شده نابود شد. نماینده مجاری سازمان امنیت و همکاری در اروپا در چچن اعلام کرد به نظری جنگ چچن راه حل نظامی ندارد. یکی از نمایندگان پارلمان روسیه از چچن گزارش داد نیروهای روس در اشغال روستای ساماشکی، یکی دیگر از مواضع چچنی ها، مرتکب جنایاتی علیه مردم غیر نظامی شده اند. به گفته شاهدان عینی، در این روستا حدود ۳۰۰ غیر نظامی به قتل رسیدند.

#### وضعیت فوق العاده در بولیوی

به دنبال چند هفته اعتصاب و تظاهرات در بولیوی، دولت این کشور با اعلام وضعیت فوق العاده، ۳۰۰ نفر از فعالین سندیکایی و سیاستمداران اپوزیسیون را دستگیر کرد. از جمله موارد مورد اعتراض سندیکاهای بولیوی، تغییراتی است که دولت این کشور قصد دارد در نظام آموزشی بدهد.

سندیکاهای کاربست مشی دو گانه دشواری شامل سیاست تدافعی و سیاست تهاجمی سازنده انتظار می رود. دستاوردهای اجتماعی سندیکاهای هیچ وجه تضمین شده نیستند. اثبات این مدعا، لغو بدون مهلت قرارداد مرحله ای جمعی کار توسط کارفرمایان صنایع فلز و نیر

#### مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری...

خواهد کرد. لوبن رهبر نژاد پرستان فرانسه که امیدوار است مانند انتخابات هفت سال پیش، به ۱۴ درصد آرا دست یابد، گفته است در مرحله دوم به هیچ وجه از شیراک حمایت نخواهد کرد. اغلب وزرای دولت بالا دور نیز از نخست وزیر حمایت می کنند، مانند شارل پاسکوا وزیر کشور به شدت محافظه کار فرانسه. بدین ترتیب،

در آخرین لحظاتی که نشریه برای چاپ آماده می شد، خبر رسید که لیونل ژوسپین کاندید حزب سوسیالیست فرانسه در مرحله اول انتخابات به پیروزی دست یافت و پس از او ژاک شیراک رهبر حزب نئوگلیست وادار بالا دور نخست وزیر فعلی رای های بعدی را به خود اختصاص دادند. مرحله دوم انتخابات بین ژوسپین و شیراک صورت خواهد گرفت.

نیامده است چرا که شاخه نظامی حماس تن به چنین توافقی نمی دهد. حماس کماکان هدف نابودی دولت اسرائیل و همه حکومت های غیر مذهبی کشورهای اسلامی را دنبال می کند. در یک سند داخلی حماس که توسط یک نشریه اردنی به چاپ رسیده است، سرنگونی حکومت خودمختار فلسطینی نیز از اهداف حماس است.

به دنبال این افشاگری، عرفات یکی از دستیاران خود را به عمان فرستاد تا از دولت اردن بخواهد بنیاد گرایان را مورد پیگیری سخت گیرانه تری قرار دهد. به گفته عرفات، مرکز اصلی تدارکات حماس برای عملیات در اسرائیل، مناطق اشغالی از مناطق خودمختار، عمان است.

در سند محرمانه افشاشده حماس آمده است بنیاد گرایان می خواهند حکومت عرفات را در میان مردم منزوی کرده، به عنوان مترسک اسرائیل معرفی نمایند. طبق این سند، فرار است عملیات انتحاری افزایش یابد و هر آنچه ممکن است انجام گیرد تا توافقی های اسرائیل و حکومت خودمختار اجرا نگردد، این حکومت ساقط شود و قدرت به بنیاد گرایان انتقال یابد.

دروندان به کار نوشتن کتاب های خود می پرداخت که مشهورترین آنها "طبقه جدید" بود. وی در این کتاب تناقض بین ثنوری و براتیک سوسیالیسم دولتی را مورد انتقاد قرار می دهد.

کتاب های جیلاس در غرب منتشر می شدند و خشم رهبری سوسیالیسم شوروی محسوس می شد. اما نزد مردم قابل قبول تر شد. جیلاس، ایده خودگردانی را جدی گرفته بود و می خواست نظام سیاسی یوگسلاوی را بر اساس آن بنا کند. در کنگره ششم حزب در سال ۱۹۵۲ که تحت تأثیر اندیشه های جیلاس بود، اعلام کرد دستگاه دولت به تدریج کوچک تر خواهد شد و حزب از قدرت کنار خواهد رفت. این، اوج ظفر مندی جیلاس بود. تیتوبه جیلاس میدان داد زیرا مطمئن بود امکان ندارد این سخنان به واقعیت تبدیل شود. جیلاس گمان می کرد نظر حزب را به افکار خود جلب کرده است اما واقعیت، این نبود. جیلاس از این نیز پیش تر رفت. در مقالاتی در روزنامه ها، حزب را فاقد این صلاحیت دانست که طبقه کارگر و خلق را نمایندگی کند. او به کارهای بالای حزبی حمله می کرد و به سوء استفاده از قدرت، امتیازات نامشروع و فساد اخلاقی رایج در آنها اشاره می نمود.

در سال ۱۹۵۴، جیلاس را از همه مقاماتش برکنار کردند. او خود از این حد نیز فراتر رفت و از عضویت در حزب استعفا داد. از آن پس، جیلاس مورد پیگرد قرار گرفت. او

بینگارد و پروای قضاوت او را نکند. پروای قضاوتی را، که ثمره بلا فصل این پرسش است: آیا با منتقدی منصف و نکته سنج روپوست یا با

#### جنبش سندیکایی در دوران...

سندیکاهای ده هفتاد بدین سو نشان داده اند که قادرند از ابزار قرارداد های جمعی با صلاحیت و انعطاف بهره گیرند. طرح های جدید آنها در مورد سیاست بهبود کیفی قرارداد های جمعی که اجرای عملی آن نیز آغاز شده است، از جمله شامل خواست هایی برای نوسازی سازمان کاروبکارگیری تکنیک، تنظیم ساعات کار و برابری زن و مرد است. من در این عرصه ها، امکاناتی برای یک سیاست سازنده و به لحاظ تبلیغاتی مؤثر می بینم که در جهت علائق ویژه کارورزان مدرن باشد. البته در حال حاضر، از

### میلووان جیلاس در گذشت

کمونیست های یوگسلاوی به تصفیه خونین دشمنان خود پرداختند، جیلاس کماکان به حزب وفادار ماند. او بعدها نه کوشید این دوره سرکوب را توجیه نکند و نه آن را با تمام وجود محکوم کرد.

تیتو پس از جنگ، مقامات مهم حزبی دولتی به جیلاس سپرد و او را ما مور انجام وظیفی کرد که اراده قوی و ابتکاری طلبیدند. وقتی در سپتامبر ۱۹۴۷ کمینفرم به عنوان جانشین کمینترن شکل گرفت، جیلاس در یک هیأت نمایندگی کمونیست های یوگسلاوی در این سازمان عضویت داشت. وی در این دوره کتاب ها و مقالاتی در چارچوب مارکسیسم - لنینیسم می نگاشت. تعصب وی باعث هراس بسیاری از مردم از جیلاس شده بود. وقتی او در بلغراد با چکمه های اسب سواری در تئاتر ظاهر می شد، ترس بر حاضران حاکم می شد. اما در درون ذهن فعال جیلاس، تحول طلبی نمرده بود.

کمونیست های یوگسلاوی پس از جدایی ایدئولوژیک تیتو و استالین در سال ۱۹۴۸، مشی خودگردانی کارگری را اعلام کردند. برای غلبه بر حیران حزبی در بلغراد، این شعار تنها مشاطه ای بود بر چهره مکانیزم اعمال قدرت، تا

میلووان جیلاس نویسنده آثار بسیاری در نقد سوسیالیسم دولتی، مانند کتاب معروف "طبقه جدید" که در ایران نیز ترجمه آن مورد استقبال قرار گرفت، در روز پنجشنبه هفته گذشته در سن ۸۳ سالگی در بلغراد درگذشت.

آنها که جیلاس را می شناختند، او را سخت مانند سنگ های سیاه کوهستان موطن اش موندته نگری توصیف می کردند. همین سختی گاه خراج از حد قابل تصور برای تحمل یک انسان بود که با آن می توان بسیاری از خصائل او را توضیح داد، خصوصاً که او را در سراسر جهان مشهور ساخت و مورد علاقه و یا نفرت افراطی قرار داد.

جیلاس که فرزند یک خانواده دهقانی بود، از دوره دانش آموزی به حزب کمونیست یوگسلاوی پیوست. او به عنوان دانشجوی به بلغراد رفت اما در آنجا بیشتر به سازماندهی و کار تبلیغ سیاسی پرداخت. وی در چهار سال رادریک زندان رژیم پادشاهی یوگسلاوی در سرمسکا میتروویتسا گذراند. در آنجا، شکنجه نیز توانست او را درهم شکنند. در جنگ پارتیزانی، جیلاس از نزدیک ترین افراد به تیتو بود. تیتو به او مأموریت هایی می داد که می دانست مستلزم شهامت و بی رحمی نسبت به خود و دیگران است. جیلاس بدین گونه به یکی از محبوبترین چهره های حزب کمونیست تبدیل شد. هنگامی که پس از جنگ،

#### چيست "درد فراگیر"؟

ادامه از صفحه ۶  
نه سپیده نمی داند / یاد کدام برگ / پائیز را به چشم تو می یارد، می نویسد: "دو محقق برجسته به نامهای سب و سپیده می خواسته اند تحقیق کنند و دریابند که یاد کدام برگ، پائیز را به این چشمان می یارد؟ البته نتیجه تحقیقات منفی بوده...! یا وقتی شاعر می گوید: چشم از غبار یاد به بردار / از آسمان درد / با مهر ماه گمشده برگرد. می نویسد: "آندکی به اطلاعات جغرافیایی خود بیفزایم بد نیست. میدانید این یاد به بردار کدام دیار است؟ در آسمان درد! آنگاه سر مست از اینهمه نکته سنجی و ظرافت، خواننده را - بزم خود - "مجاب می کند که: "این دسته گلها را آقای مقصدی در همه جای اغلب اشعارش به آب داده است." (!؟) و عجیب آنکه گاه نه تنها از درک

آنکه می تواند چنین بی محابا "داوری" کند، به هیئت منصفه نیاز ندارد. بدایه حال نویسنده ای که خواننده را دست آموز آسان پذیر

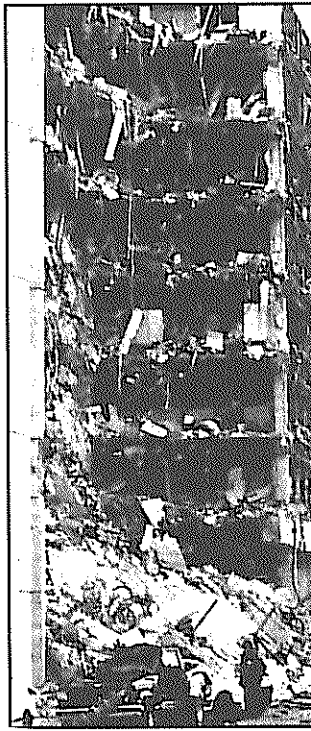
## انفجار در اوکلاهوما، آمریکار اական داد

در انفجار بمب در مقابل ساختمان فدرال در شهر اوکلاهوما، ده ها تن کشته شدند

در حالی که در نخستین واکنش ها انفجار این بمب به بنیاد گرایان اسلامی نسبت داده می شود، اکنون گفته می شود این جنایت توسط فاشیست های دست راستی آمریکایی صورت گرفته است

چهارشنبه گذشته، انفجار بمب بسیار قوی در اوکلاهوما سیتی آمریکا، ده ها قربانی گرفت. در این فوج ترین حمله تروریستی در تاریخ ایالات متحده، ده ها نفر کشته و صدها تن مجروح شدند. تا هنگام تنظیم این خبر، جستجو در ویرانه های به جا مانده از انفجار بمب، ادامه داشت. تا روزیکشنبه این هفته، امدادگران نیروی خود را متوجه یافتن بازماندگان احتمالی در زیر آوار کردند و از این رو جستجوی اجساد و شمارش قربانیان، اولویت نداشت. تا روز جمعه هفته گذشته ۶۳ جسد کشف شده بود و ۱۴۰ نفر مفقودالاثر بودند.

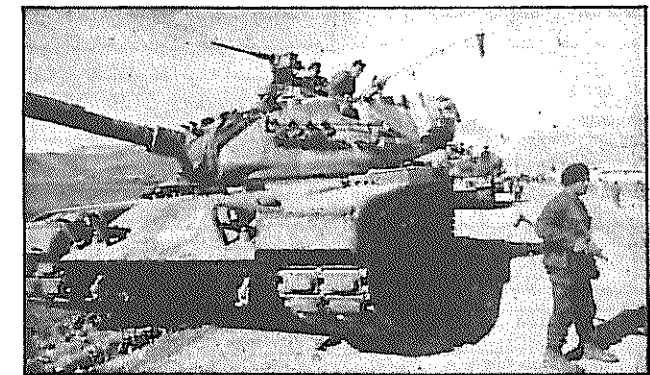
انفجار هفته گذشته، یک ضلع ساختمانی را که در آن، نهاد های



نمایی از ساختمان فدرال. عکس ۸ طبقه ساختمان را که به کلی ویران شده، نشان می دهد

## ستاد ارتش ترکیه عقب نشینی قریب الوقوع از عراق را تکذیب کرد

در خارج از این کشور زندگی می کنند، برگزیده اند. هفته گذشته وزارت خارجه ترکیه آمار جدیدی از تلفات ب. کا. کا. در جریان عملیات ارتش ترکیه در عراق اعلام کرد. طبق این آمار، ۴۶۴ چریک کشته و ۱۲ تن اسیر شده اند. غنایم ارتش ترکیه عبارتند از ۷۸۰ تفنگ، ۲۱ تانچه، چهار موشک ضد هوایی، ۲۵ خمپاره انداز، ۸۶ موشک انداز و هزاران مین.



هم زمان با ادامه اشکرتشی به عراق، ترکیه در جنوب شرقی قلمرو خود نیز دست به عملیات گسترده ای علیه کردها زده است. در این عملیات، به گفته مقامات ترک ۳۰۵ عضو ب. کا. کا. کشته، چهار چریک مجروح و ۴۵ نفر دستگیر شده اند. ۲۷ تن دیگر نیز خود را تسلیم نیروهای دولتی کرده اند.

سختگوییان ب. کا. کا. در بروکسل اعلام کردند ۲۷ نفر غیر نظامی، قربانی حمله ارتش ترکیه به شمال عراق شده اند. طبق این گزارش، ارتش ترکیه در کردستان عراق ۳۰ روستا را ویران کرده است. ۳۰ هزار نفر از مردم منطقه ناچار به فرار شده اند.

یک سخنگوی ستاد ارتش ترکیه، خبر آغاز عقب نشینی نیروهای این کشور از شمال عراق را که در آمریکا از سوی تنسو چیلنر نخست وزیر ترکیه اعلام شده بود، تکذیب کرد و گفت تنها یک تیپ مکانیزه ۳۰۰۰ نفره به ترکیه بازگشته است، و هنوز بیش از ۳۰ هزار نفر از نیروهای این کشور در خاک عراق به سر می برند. چیلنر در جریان یک سفر خصوصی به آمریکا طی نطقی در نیویورک گفته بود پس از آنکه نخستین اهداف عملیات علیه حزب کارگران

میشیگان است. بدین ترتیب، به نظر می رسد حدس های اولیه در مورد عاملان این جنایت، نادرست از آب درآمده است. از جمله، گمان می رفت انفجار اوکلاهوما بی ارتباط با محاکمه شیخ عمر عبدالرحمان، فرد بنیادگرایی که متهم به دخالت در بمب گذاری مرکز تجارت جهانی در نیویورک است، نباشد. گمان دیگر، این بود که حمله اخیر، انتقام حمله دو سال پیش پلیس فدرال آمریکا به مرکز فرقه "داودی ها" در ایالت نگزاس که طی آن، ده ها تن از اعضای این فرقه کشته شدند. اکنون ظاهراً رد عاملان بمب گذاری اوکلاهوما به محافل نشوفاشست و راست افراطی آمریکایی رسد.

میلیشیای میشیگان" از گروه هایی است که طی ماه های اخیر دست به فعالیت شدیدی علیه ممنوعیت سلاح های گرم توسط دولت کلینتون زده است. اعضای این گروه در ۱۹ ایالت آمریکا فعال اند و دست به اقداماتی مانند ترتیب دادن دوره های آموزش نظامی می زنند. این گروه افراطی مدعی است دولت واشنگتن، استقلال آمریکایی ها را به سازمان ملل متحد فروخته است.

روابط خود با دولت ربانی خاتمه دهند. شورای عالی که مجددی در رأس آن قرار دارد، نیروهای دوستم و حکمت یار و نیز حزب وحدت اسلامی (حزب شعبه مورد حمایت تهران) را نیز در بر می گیرد. مجددی در مصاحبه خود گفت پاکستان و جمهوری اسلامی هرگز در امور داخلی افغانستان مداخله نکرده اند" اما افزود کشورهای دیگری هستند که چنین می کنند. مجددی این "کشورهای دیگر" را که از آنها نام نبرد، متهم به حمایت نظامی از دولت ربانی کرد و گفت نام یک کشور را که به دولت کابل کمک می رساند، در صورت ادامه این کمک ها افشا خواهد کرد. مجددی، ربانی را مسئول ادامه خونریزی در افغانستان دانست و گفت در گذشته کوشیده است ربانی را متقاعد کند که به نفع یک شورای متشکل از نمایندگان همه گروه ها، از مقام خود کناره گیری نماید. به گفته مجددی، طرح صلح سازمان ملل برای افغانستان در صورت کناره گیری ربانی قابل اجراست. مجددی در عین حال با استقرار نیرویی از سوی سازمان ملل در افغانستان مخالفت ورزید و گفت پاسداری از صلح در این کشور باید توسط نیرویی داخلی صورت گیرد. مجددی در مورد طالبان، نیروی نوظهور جنگ داخلی افغانستان، اظهار داشت افراد طالبان "صادق اند اما مرتکب اشتباهاتی شده اند.

برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان از قاضی حسین احمد رهبر گروه جماعت اسلامی پاکستان درخواست کرد اقدام به میانجی گری بین گروه های متخاصم افغانی کند. دو هفته پیش، محمود مستیری فرستاده تونس سازمان ملل به دنبال تلاش های بی سرانجام برای پایان دادن به جنگ افغانستان، برای ارائه گزارش به مقر سازمان ملل در نیویورک بازگشت.

## جنگ در افغانستان موقتاً فروکش کرد

دانست. خطر شیوع مالاریا و وبا وجود دارد. رشید دوستم رهبر نیروهای ازبک که بخشی از شمال افغانستان تحت کنترل آنهاست و تا کنون متحد گلبدین حکمت یار رهبر حزب اسلامی بوده است، در پیام غیرمستقیمی به برهان الدین ربانی رئیس جمهور موقت افغانستان خواهان مذاکره با دولت کابل شد. کنسول افغانستان در مشهد ضمن اعلام این خبر گفت دولت متبوع وی تا کنون با دوستم مذاکره نکرده است.



کابل هنوز جلالتگاه تانک ها است

در کابل، به بلاستیک و چادر نیاز است. خیابان های کابل، پر از گلوله های توپ و مهمات منفجر نشده و نیز زباله است. در شهر بی آبی حاکم است. تنها در ۳۰ درصد مناطق، آب مورد استفاده مردم را می توان به لحاظ بهداشتی مطمئن

در هفته گذشته اوضاع غرب افغانستان (مناطق هم مرز با ایران) که جندی پیش صحنه نبردهای بین نیروهای دولتی و طالبان بود، نسبتاً آرام گزارش شد. با این حال خبر رسید که طالبان هراز چندی برای اینکه نشان دهند توقف پیشروی آنها به علت ضعف مواضعشان نیست، حملاتی به نیروهای دولتی انجام می دهند. نیروهای دولتی، کنترل شین بند و پلگاه هوایی آن را در دست دارند اما گزارش های رسیده از این منطقه و از استان فراه حاکی است طالبان مشغول تقویت نیروهای خود در غرب افغانستان اند. دولت افغانستان نیز دست به اعزام سه هزار نفر نیروی تقویتی برای عقب راندن طالبان از مواضعشان در استان فراه زده است.

دو هفته پیش، نیروی هوایی روسیه در جنگ علیه مخالفان دولت تاجیکستان، مناطقی از استان بدخشان افغانستان را بمباران کرد. در این حمله، هشت نفر از اهالی غیر نظامی این منطقه کشته شدند. روسیه و دولت تاجیکستان که مورد حمایت مسکو است، می گویند اپوزیسیون ناسیونالیست و بنیادگرای تاجیکستان در داخل خاک افغانستان پایگاه دارد.

## بازگشت آوارگان به کابل

پس از چند ماه نبردهای سخت بین طرف های جنگ داخلی افغانستان در کابل، گزارش های رسیده از این شهر حاکی است اکنون آندسته از اهالی کابل که به علت جنگ، شهر را ترک کرده بودند، به تدریج به محل زندگی خود باز می گردند. نمایندگان سازمان ملل اعلام کردند در کابل دیگر به ندرت صدای تیراندازی شبانه به گوش می رسد و تنها نیروهای مسلحی که به چشم می خورند، افراد نیروهای دولتی اند. گفته می شود ۷۰ درصد جمعیت

## مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه برگزار شد

در مرحله اول به خود اختصاص دهند، به مرحله دوم که روز هفتم مه (۱۷ اردیبهشت) برگزار می شود، راه می یابند. تردیدی نیست که رقابت اصلی کاندیداها، بین شیراک، بالا دورو زوسپن خواهد بود. در آخرین ساعات پیش از رأی گیری، نتایج همه نظرسنجی ها حاکی بود ژاک شیراک با حدود ۲۵ درصد آرا، در رده اول قرار خواهد گرفت. بالا دورو زوسپن، هر یک با ۲۰ درصد در رده های بعدی قرار داشتند. تاهنگام تنظیم این خبر، نتایج رأی گیری اعلام نشده بود و روشن نبود از بین بالا دورو زوسپن، کدام یک در مرحله دوم با شیراک رقابت خواهد کرد. گفته می شود شیراک ترجیح می دهد کاندیدای سوسیالیست هاب بالا دورو غلبه کند زیرا مایل نیست در مرحله دوم انتخابات، رقابت بین دو نامزد از تنوع گلیست ها باشد، رقابتی که تکلیف آن را آرای چپ تعیین

روز یکشنبه ۲۳ آوریل (۳ اردیبهشت) مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه برگزار شد. در این مرحله، ۹ کاندید شرکت داشتند که عبارت بودند از ژاک شیراک شهردار پاریس، نخست وزیر سابق و رهبر حزب نشوگلیست RPR، ادوار بالا دورو نخست وزیر و عضو حزب شیراک، لیونل زوسپن از حزب سوسیالیست و وزیر پیشین آموزش، ژان - ماری لوپن رهبر حزب راست افراطی جبهه ملی، روبرت او دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، که در جریان مبارزات انتخاباتی خود مرفق به ارائه چهره جدیدی از حزب کمونیست شده، مطابق نظرسنجی ها بر آراء این حزب خواهد افزود، فیلیپ دوولیه چهره راست گرایی که تبلیغات خود را علیه وحدت اروپا متمرکز کرده است، آرلت لاگوئیه از سوی تروتسکیست ها، دومینیک وینه نماینده سبزها و بالا خره ژاک شمیناد که گفته می شود وابسته به یک گروه افراطی است. از میان این نامزدها، دونفری که بیشترین آرا را